



شماره دوازدهم

تیر ماه ۱۳۹۲

سال حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی

متن کامل فرمایشات
رهبر معظم انقلاب اسلامی
به همراه تحلیل و
اهم مطالبات



شماره دوازدهم

تیر ماه

سال ۱۳۹۲ (سال حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی)

تهیه و تدوین معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر (عجل الله فرجه)

شماره تماس:

۷۷۴۹۴۵۸-۱۲۲/۱۲۳

سایت:

v-montazar.com

پست الکترونیکی:

webmaster@v-montazar.com



مقدمه

دیدار مسئولان و کارکنان قوه قضائیه در آستانه‌ی سالروز حادثه هفتم تیر و روز قوه قضائیه

(الف) جایگاه و دستاوردهای حادثه ۷ تیر، تبیین اهداف قوه قضائیه و توصیه هایی برای دستیابی به آنها

۱. حادثه هفتم تیر برای نظام اسلامی سرنوشت ساز بود؛ چراکه چهره نفاق در کشور آشکار شد؛ استکبار هم با حمایت از نفاق دشمنی خود را آشکار کرد

۱,۱. هرچند این حادثه سرمایه‌هایی را از ما گرفت؛ اما این خونهای بناحق ریخته شده مثل همه شهدا، برای ملت ایران دستاوردهای بزرگی با خود آورد

۲. باید از مسئولان قوه قضائیه، آحاد کارکنان و قضات محترم حقیقتاً تشکر کنیم؛ آنچه انجام گرفته، بسیار با ارزش و در جهت کارآمدی این قوه است

۳. در قوه قضائیه همیشه باید دو هدف اعلی را در نظر داشت: سلامت و کارآمدی؛ اگر این دو تحقق یافت، محصول آن را جامعه اسلامی خواهد چشید

۱,۳. باید کارها با دقت پیگیری شود و قدم به قدم رعایت و مراقبت شود؛ تا اینکه بتوانیم به نتیجه مطلوب برسیم

۲,۳. با وجود همه اقدامات و تلاشهای مثبت، هنوز بین مقصود اسلام و قوانین اسلامی با واقعیت موجود قوه قضائیه، فاصله وجود دارد

۱,۲,۳. البته توقع نداریم که در عرض دو یا پنج سال این فاصله‌ها طی شود، لیکن حرکت مسئولان قوه باید در جهت پر کردن خلأها ادامه پیدا کند

۳,۳. پیشرفت کارها با برنامه‌ریزی و پیمودن برنامه‌ها امکان پیدا می کند؛ هیچ اغمازی در حرکت در جهت برنامه سوم این قوه صورت نگیرد

(ب) تشکر از مردم در خلق حماسه سیاسی، معانی و نشانه و برجستگی انتخابات اخیر، ضرورت کمک به منتخب مردم و نکاتی در زمینه اظهارات نامزدها

۱. تشکر می کنم از ملت بزرگ، بصیر و هوشمند ایران اسلامی به خاطر کار بزرگی که در زمینه انتخابات انجام دادند

۲. دشمنان از یک سال قبل برنامه ریزی منفی کردند، فریادها کشیدند و فشارها وارد کردند تا این حادثه را به صورتی که خود می خواستند، دریاورند

۳. آنچه که اتفاق افتاد، ۱۸۰ درجه عکس چیزی بود که دشمنان میخواستند؛ این حادثه کوچکی نیست که بخواهند با تحلیلهای آیکی از آن بگذرند

۴. نکات فراوانی در این انتخابات بود که چند نکته اساسی را عرض می کنم:

۱,۴. دشمن مدتها درباره صحت انتخابات و مجریان و ناظران آن تردیدآفرینی کرد تا مردم را دلسرد کند، اما مردم با حضور خود عکس عمل کردند

۱,۴,۱. معنای حضور مردم این بود که به نظام اسلامی علاقه مندند، به برگزار کنندگان انتخابات اعتماد دارند و امیدوار به حرکت مستمر پیشرونده کشورند

۲,۴,۱. حضور افرادی که دل صافی از نظام ندارند، نشان داد که به نظام اعتماد دارند و معتقدند نظام از منافع کشور و عزت ملی دفاع و حفاظت میکند

۲,۴. انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای در بسیاری کشورها با درگیری انجام می گیرد؛ اما حادثه ای که نشان دهنده ناامنی در کشور باشد، گزارش نشد

۱,۴,۲. این انتخابات، امنیت گسترده کشور وسیع و پهناور ایران را نشان داد؛ این امر کوچکی نیست

۳,۴. نکته ای که در این انتخابات برجسته بود اینکه نامزدهای مختلف با نجابت و قانون پذیری با رئیس جمهور منتخب دیدار کردند و به او تبریک گفتند

۱,۴,۳. اینکه ما بارها از حوادث سال ۸۸ انتقاد کردیم، به این خاطر بوده که عده ای کام مردم را تلخ کردند؛ در حالیکه راه برای قانونگرایی وجود دارد

۲,۴,۳. نتیجه رعایت قانون در انتخابات امسال این شد که کام مردم شیرین و دلشان شاد شد؛ تاکید زیاد ما بر قانون گرایی نیز به همین خاطر بود

۴,۴. لطف پروردگار بود که دلهای ملت را هدایت کرد و نیروهای عظیم مردم وارد صحنه شدند و حماسه سیاسی را به وجود آوردند

۵,۴. همه باید به منتخب مردم کمک کنند؛ نباید به توقعات زیاد دامن زد و در قضایا زیاد شتابزده برخورد و قضاوت کرد تا کارهای مهم کشور انجام شود

۴. در مورد اظهاراتی که نامزدهای محترم در تلویزیون کردند عریضی دارم که به اجمال می گویم:

۱,۴. دولت کنونی نقاط قوت فراوانی دارد، هرچند نقاط ضعفی هم وجود دارد؛ اما خدمات مهم انجام شده در اظهارات نامزدها غالباً ندیده گرفته شد

۱,۴,۱. بدیهی است کسی که خود را به مردم عرضه میکند، اشکالات موجود را دیده و به مردم هم می گوید؛ اما در این زمینه نباید مطلق نگاه کرد

۲,۴. مسئله جبهه دشمنان ما این است که نمی خواهند موضوع هسته‌ای ایران حل شود؛ اگر لجبازی آنها نبود، موضوع هسته‌ای براحتی حل می شد

۱,۴,۲. نظام در قضیه هسته ای قانونی، شفاف و منطقی عمل کرده است؛ منتها این مساله نقطه ای برای فشار، تهدید، خسته کردن و تغییر نظام است

۲,۴,۲. دشمن نمی پسندد که جمهوری اسلامی با اتکاء به قدرت خود و اعتماد به خدا، روی پای خود ایستاده و در جهات مختلف در حال پیشرفت است

۳,۴,۲. راه جمهوری اسلامی، راه خدا؛ هدفها، هدفهای الهی و تکیه‌گاه، اراده الهی است؛ اینچنین راهی هیچ وقت به بن‌بست منتهی نخواهد شد

«فهرست»

۵

۶

۶

۶

۷

۷

۷

۷

۸

۸

۸

۸

۹

۹

۹

۹

۹

۱۰

۱۰

۱۰

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۲

۱۲

۱۲

۱۲

۱۳

۱۳

۱۳

۱۴

۳



۲



محل انس با قرآن اول ماه مبارک رمضان ۱۴۳۴

۱. جامعه ما تا قبل از انقلاب، مأنوس با قرآن نبود؛ این از برکات انقلاب است که جوانهای ما در میدان تلاوت وارد شدند و پیشرفت کردند

۱,۱. تلاوت و انس با قرآن مقدمه ای برای فهم آن و تخلق به اخلاق قرآن است ؛ مسئله ی بالاتر از پاسداشت ظاهری قرآن، سبک زندگی قرآنی است

۱,۲. یکی از عیوب جامعه ما در طول زمان این بوده که گاهی زندگی خود را متأثر از فرهنگ بیگانگان میکردیم؛ به بهانه اینکه دنیای امروز این گونه است

۱,۲,۱. امت مؤمن باید معیار را از قرآن بگیرد؛ قرآن به ما می آموزد باید از طریق هدایت و راه کسانی که به نعمت الهی واصل شدند، پیروی کرد

۱,۲,۲. تبعیت از آموزه های بندگان برگزیده خدا و داوری عقل سلیم، دیگر معیارهای قرآنی است؛ تقلید از مردم کشورهای غربی و مادی خطاست

۲. جامعه را باید بر اساس تقلین یعنی هدایت قرآن و کلمات اهل بیت شکل داد؛ جلسات تلاوت قرآن مقدمه ای برای استفاده از آن در جامعه است

۳. امروز جامعه ما با قرآن مأنوس شده‌اند؛ البته ما به این قانع نیستیم و معتقدیم احاد جامعه باید بتوانند قرآن را بخوانند، بفهمند و درآن تدبیر کنند

آخرین دیدار رئیس جمهور و هیئت دولت دهم

الف) امتیازات و کارهای بزرگ این دولت و توصیه هایی برای آینده فعالیت مسئولان دولت کنونی

۱. دوست داریم گزارش کارهای این دولت که امروز در اینجا بیان شد، به سمع عموم مردم و خواص و اهل فن برسد

۱,۱. البته بعضی‌ها ممکن است نگاه خوشبینانه یا دوستانه یا منصفانه‌ای به کارهای این دولت نداشته باشند؛ اما اینها باید در فضای عمومی گفته و ثبت شود

۲. حجم کار بسیار بالا و پرتلاش، تلاش خستگی ناپذیر و اعراض از آسایشها و آسودگی ها، امتیاز بزرگی است که این دولت بحمدالله از آن برخوردار بود

۳. این دولت بحمدالله توانست شعارهای انقلاب را سر دست بگیرد، به آنها افتخار کند و آنها را در جامعه مطرح کند

۳,۱. ضدانقلاب، شعارهای انقلاب را هرگز فراموش نخواهد کرد و سعی میکند این شعارها را بتدریج محو و کمرنگ کند

۳,۱,۱. دشمن نتوانست شعارهای انقلاب را محو کند؛ چون ارزش هایی که امام باقی گذاشت، هنوز زنده بوده و جزو محکماتی است که قابل تحریف نیست

۳,۲. این دولت این شعارها را سر دست گرفت و در مجامع جهانی، از انگیزه‌ها، اهداف و شیوه‌های انقلابی احساس شرم نکرد؛ این خیلی کار بزرگی بود

۴. آنچه برای خدا کردید، خدای متعال آنها را در نامه ی عمل شما ثبت کرده و بالاشک به درد شما خواهد خورد

۵. رشته خدمت را رها نکنید؛ چه در دولتهای آینده باشید، چه نباشید مسئولیتی را که برعهده می گیرید با رویکرد هدفهای انقلاب انجام دهید

ب) توصیه هایی از نهج البلاغه برای عبور مطلوب از گذر گاه دنیا

۱. من طبق معمول همیشه‌مان یک جمله از نهج‌البلاغه برای شما می خوانم که جزو وصایای امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) است

۲. می‌فرماید: پیش روی تو راهی وجود دارد که مسافت خیلی طولانی و مشقت شدیدی در آن هست؛ در چنین راهی، تو باید با منتهای طلب حرکت کنی

۳. حضرت امیر برای اینکه پایان راه برای ما مطلوب باشد، دو توصیه می کنند:

۱,۱. اول اینکه « مقدار توشه ای را که تو را به منزل می رساند، اندازه گیری کن»

۱,۱,۱. حضرت در پاسخ به اینکه چه چیزی برای عبور از این گذرگاه نیاز داریم می فرمایند: اجتناب از محرّمات و انجام واجبات

۱,۲. بعضیها دنبال برخی از خصوصیاتند؛ مثلا از کسی ذکری گرفته یا ریاضتی فرا بگیرند؛ درصورتی که ریاضت شرعی مشخص است و اینها لازم نیست

۱,۲,۱. اگر چنانچه همین مقدار واجبات را انجام دهیم، خود این زمینه‌ای برای جذب انوار الهی به میزان زیاد خواهد شد

۳,۲. توصیه دوم اینکه «بار دوش خودت را سبک کن» ؛ ما مسئولین بارهای سنگینی بر دوش داریم که اگر خوب انجام بگیرد، فضیلت بسیاری خواهد داشت

دیدار مسئولان و کارکنان قوهی قضائیه در آستانه‌ی سالروز حادثه هفتم تیر و روز قوه قضائیه

الف) سپاس از خداوند برای حماسه سیاسی، نکاتی در شناخت و استفاده بهتر از ماه رمضان، ضرورت برخورداری مسئولان از صبر و توکل

۱. بعد از هر نصرتی که خدا می دهد، باید سپاس بگوییم؛ حماسه سیاسی و حضور مردم در انتخابات، آخرین نصرت بزرگ الهی به ملت ایران بود

۲. سعادتی است که در این لحظه مهم حرکت سیاسی کشور ، در ماه رحمت الهی قرار گرفتیم

۱,۲. رمضان ماه انابه و توبه است؛ هم باید از گناهان و خطاهایمان در هر بخشی که از ما سر زده استغفار کنیم و برگردیم، و هم از حال و آینده انابه کنیم

۲,۲. رمضان ماه آزادی از آتش است؛ آزادی از همین خطاهایی است که انجام می دهیم، گناهان ما همان صورت های ناسوتی عذاب های آخرتند

۲,۳. رمضان ماه رفتن به بهشت است؛ اگر در این دنیا تکالیفمان را انجام دهیم، همان رفتن به بهشت است که در قیامت، به آن صورت مجسم خواهد شد

۲۰

۲۰

۲۰

۲۰

۲۱

۲۱

۲۱

۲۲

۲۶

۲۶

۲۶

۲۶

۲۶

۲۷

۲۷

۲۷

۲۷

۲۸

۲۸

۲۸

۲۸

۲۸

۲۹

۲۹

۲۹

۳۰

۳۰

۳۰

۳۰

۳۶

۳۶

۳۶

۳۷

۳۷

۳۷

۳۸

۳. یاد خدا با تضرع، پشتوانه همه خیرات و برکاتی است که انسان می تواند در این مهلت زندگی به دست بیاورد

۳,۱. یاد خدا نباید اختصاص داشته باشد به دورانیهای زحمت و فشار؛ چون اگر با برطرف شدن شدت غفلت پیدا کنیم، راه شما مسدود می شود

۳,۲. در همه حال بایداز خدای متعال کمک خواست، چه در حال محنت و چه آسایش؛ اگر این توجه به خدا باشد، ضامن حرکت تکاملی انسان است

۴. توسل و تضرع به عمل می‌انجامد و کار و عمل شما مسئولان هم کار دنیاست و هم کار آخرت؛ به همین خاطر به دو عنصر صبر و توکل احتیاج دارد

۴,۱. عرصه جهانی، صحنه جنگ اراده‌هاست و اراده هر طرف که زودتر ضعیف شود، شکست خواهد خورد؛ صبر یعنی حفظ عزم و اراده و مقاومت کردن

۴,۲. توکل یعنی کار را انجام دادن و نتیجه را از خدا خواستن؛ بنابراین ابتدا باید کار را انجام داد ولی نتیجه را به خدا واگذار کرد

۴,۳. بدون صبر و بدون توکل امکان ندارد انسان بتواند کارهایی را که در زمینه ی شخصی یا مدیریت کشور برعهده ی اوست، انجام دهد

۱.۵. اگر مسئولان بخواهند صبر و توکل را در زمینه مدیریت کشور به کار بگیرند، باید چند عنصر اساسی و اصلی را رعایت نمایند:

۱,۵. جهتگیری را باید درست انتخاب کنیم؛ این قطب‌نما و شاخص اصلی است؛ اگر جهتگیری غلط انتخاب شود، تلاشهای گوناگون ما را از راه دور میکند

۱,۱,۵. در شناخت جهتگیری‌ها مشکلی نداریم؛ آثار امام به عنوان شاخص، جلوی چشم ماست؛ وصیت‌نامه‌امام مجموعه جمعی از جهتگیری‌های امام است

۲,۵. باید همه ابزارها و نیروها را پای کار آورد و جهتگیری‌ها را به سیاستهای عملی تبدیل کرد؛ در خلال سیاستهای عملی، جهتگیری‌ها برجسته شود

۳,۵. باید اولویتها را در نظر گرفت؛ چون کارها زیاد است و گاهی اوقات نیرو و سرمایه به قدر همه نیازها نیست

ب) فرصت بزرگ بودن مقطع جابه جایی دولتها؛ لزوم توجه به واقعیت های کشور، بیان عناصر استحکام قدرت ملی و الزامات تعامل با دنیا

۱. کشور در یک مقطع خوبی قرار دارد؛ مقاطع جابه‌جائی دولتها، جزو مقاطع خوب و مبارک کشور و تاریخ سیاسی ما و یکی از فرصتهای بزرگ ماست

۱,۱. در سالیهای متوالی بعد از انقلاب، منهای برهه‌ی کوتاه سال ۸۸، همیشه دست‌به‌دست شدن قدرت در کشور، با آسایش و با شادکامی همراه بوده است

۲,۱. با دست‌به‌دست شدن دولت، فکرها و ابتکارهای جدید وارد میدان می شود که باید با استفاده از آنچه دولتهای قبل انجام دادند، کشور را پیش ببرند

۳,۱. مهم این است که با دست به دست دولت ها، جهتگیری‌ها استمرار داشته باشد

۲. آنچه امروز لازم است که مورد توجه قرار گیرد، یک نگاه کلان به نظام اسلامی و به شرائط عمومی کشور است؛ واقعیت هایی در کشور وجود دارد:

۲,۱. موقعیت جغرافیائی ایران یکی از موقعیتهای جغرافیائی خوب دنیا است؛ این یک امتیاز است که از نظر جغرافیایی در بالاترین درجه قرار داریم

۲,۲. ریشه‌های تمدنی کهن ایران، بخصوص از دوره‌ی اسلام به بعد، تاریخ بافتخاری است؛ بنابراین ما از لحاظ تمدن، جزو برجسته‌ها و برترینها هستیم

۳,۲. ثروتهای طبیعی و انسانی ما چشمگیر است؛ از نظر ذخایر گوناگون، فوق العاده غنی هستیم و از لحاظ استعداد انسانی، در رتبه‌های بالا قرار داریم

۴,۲. در طول دو سه قرن اخیر، هم از ناحیه استبداد داخلی و دیکتاتوری‌های داخل کشور و هم از ناحیه تهاجم های بیرونی، ضربه‌های سختی خوردیم

۱,۴,۲. مورخین ما باید کار مبسوط و مشروعی در مورد غارت ثروت کشور، سلطه سیاسی و تحقیر ملت ما به وسیله کشورهای متنفذ خارجی انجام دهند

۵,۲. ایران در سه مقطع مشروطیت، نهضت ملی و انقلاب اسلامی، یک حرکت ملی و بیداری عمومی داشت؛ البته در دو مقطع اول شکست خوردیم

۵,۲. مقطع پیروزی انقلاب اسلامی، مقطع برجسته‌ای بود که ملت ایران پس از دو قرن هزیمت در مقابل تهاجم غرب، معارضان خود را به زانو درآورد

۶,۲. یکی از مهمترین واقعیتهای، پیشرفتهای یک کشور است؛ مقدار پیشرفت ایران از مقطع پیروزی انقلاب تا امروز در دنیا سابقه نداشته است

۱,۶,۲. به طور مشخص در زمینه هایی چون علمی، سیاست داخلی، الگوی جدید مردم‌سالاری، سیاست خارجی، سازندگی و فرهنگی پیشرفت داشته ایم

۷,۲. آینده ی پر امید با تکیه بر نسل جوان پراستعداد یکی دیگر از واقعیتهای کشور است

۱,۷,۲. تحدید نسل برای کشور ما خطر بزرگی است و با روند کنونی، در آینده دچار مشکل پیری عمومی خواهیم شد؛ باید جلوی این کار را بگیریم

۸,۲. ما با یک جبهه دشمن مواجه ایم؛ جبهه معارضی اعم از ارتجاع و استکبار و برخی دولتمردان غربی و منطقه که فقط درمقابل ایران شکل گرفته است

۱,۸,۲. در مواجهه با این جبهه، باید با تکیه به واقعیتهای و نگاه به هدفهای کلی تصمیم بگیریم؛ مسئولین باید در چنین شرائطی راه آینده را تشخیص دهند

۳. واقعیتهای این را به ما املاء می کنند که ما می توانیم دهه چهارم انقلاب را به معنای واقعی کلمه، دهه ی پیشرفت و عدالت قرار دهیم

۴. در پیشرفت به سمت هدفهای آرمانی، اساس کار اینکه ساخت قدرت ملی را استحکام ببخشیم؛ برخی از عناصر استحکام همیشگی و برخی فصلی اند:

۱,۴. عزم راسخ جزو عناصر همیشگی است؛ مسئولان عزم خود را در مواجهه با مشکلات حفظ کنند و دچار تزلزل نشوند؛ عزم راسخ مردم هم لازم است

۲,۴. مسئله اقتصاد و علم جزو عناصر فصلی هستند؛ مسئولان کلان و سیاستگذاران برای پیشرفت باید به این دو نقطه ی اصلی توجه کنند



مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی در مقطعی از تاریخ به وقوع پیوسته است که جبهه نظام کفر تاریخی با شرح صدری بلوغ یافته، تمدنی مادی را در جهان مستولی کرده است و داعیه جهانی کردن این تمدن را دارد. اما در مقابل، تحقق انقلاب اسلامی مبتنی بر اسلام ناب، جبهه تاریخی ایمان را در افق جدیدی از مبارزه وارد نمود. آرمان انقلاب اسلامی تحقق تمدن اسلامی در عرصه جهانی است که در این میان نقش رهبران بی بدیل انقلاب اسلامی به عنوان معماران تمدن اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد. با مطالعه تاریخ تکامل جامعه شیعی، به خوبی روشن می گردد که شاخص اساسی بلوغ جامعه شیعی، ولایت پذیری از امامان معصوم (علیهم السلام) و نواب امام در زمان غیبت می باشد. از این رو، سنگین ترین تکلیف و امتحان جامعه شیعی، قبول ولایت و حرکت بر مدار اراده و خواست ولی خداست.

امام راحل اختری تاناک از سلسله فقیهان و مجتهدانی بود که با رهبری داهیانه خود، جامعه شیعی را در افق جدیدی از تکلیف سنگین ولایت پذیری وارد کرد و آن چیزی نیست جز تولی به این ولی خدا در افق اجتماعی و تمدنی. البته انقلاب اسلامی گام‌های آغازین خود را تا رسیدن به تمدن اسلامی برداشته است، و خلف صالح امام راحل، حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)، به خوبی مسیر تحقق تمدن اسلامی را ترسیم نموده، با ولایت و مدیریت الهی خود و تبیین وظایف تمام آحاد جامعه در هر منصب و مقامی در فرمایشاتشان جامعه اسلامی را گام به گام به آرمان شهر خود نزدیک می کند. بر این اساس، آنچه بر تمامی مسولین و آحاد مختلف جامعه فرض است، توجه تام و تمام به فرمایشات و مطالبات رهبری انقلاب اسلامی است؛ فرمایشاتی که عین تکلیف شرعی است و مسیر بندگی الهی را در حوزه حیات اجتماعی به خوبی ترسیم می کند. از این رو، معاونت پژوهش مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر (عجل الله فرجه) بر آن شد که از ابتدای سال ۱۳۹۱ فرمایشات آن رهبر معظم را گردآوری و تنظیم جدید کرده و همراه با تحلیل و جمع بندی مختصر و استخراج مطالبات ضمنی و صریح ایشان، با عنوان «ره نامه» و به صورت دوره‌ای در اختیار جامعه ولایت مدار، به ویژه مخاطبان آن فرمایشات و بالاخص تصمیم گیران و تصمیم سازان نظام اسلامی قرار دهند.

باشد که بتوانیم از منویات آن رهبر فرزانه در جهت رشد و تعالی اسلامی بهره برده، سهمی هر چند اندک در ترویج آن داشته باشیم. در پایان از تمامی عزیزانی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این جزوه یاری کرده اند به ویژه جناب آقای جعفرزاده تهیه کننده، هم چنین از مدیر عامل محترم مؤسسه جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای عزت زمانی و همکاران محترم معاونت فرهنگی و انتشارات مؤسسه، تشکر و قدردانی می شود.

از خوانندگان محترم استدعا و انتظار داریم که دیدگاه های تکمیلی و اصلاحی خویش را به منظور هر چه بهتر شدن جزوات بعدی، در اختیار ما قرار دهند؛ که با آغوش باز پذیرائیم.

والسلام

معاونت پژوهشی

مؤسسه ولاء منتظر (عجل الله فرجه)

دیدار مسئولان و کارکنان قوهی قضائیه

در آستانه‌ی سالروز حادثه هفتم تیر و روز قوه قضائیه

۱۳۹۲/۰۴/۰۵



مقدمه

خوشامد عرض میکنم و تبریک عرض میکنم به همه‌ی شما برادران و خواهران. امیدوارم خداوند متعال به برکت این ماه شریف و مولود عظیم‌الشان این روزها، حضرت بقیه‌الله الاعظم (ارواحنا فداء)، همه‌ی شما را و همه‌ی ملت ایران را مشمول تفضلات خود و رحمت خود و هدایت خود قرار دهد.

الف) جایگاه و دستاوردهای حادثه ۷ تیر، تبیین اهداف قوه قضائیه و توصیه‌هایی برای دستیابی به آنها

۱. حادثه هفتم تیر برای نظام اسلامی سرنوشت ساز بود؛ چراکه چهره نفاق در کشور آشکار شد؛ استکبار هم با حمایت از نفاق دشمنی خود را آشکار کرد

مناسبت هفتم تیر، مناسبت برجسته و مهمی است. اگرچه در این ایام به تناسب از قوهی قضائیه تحلیل میشود و زحمات و تلاشهای عزیزان این قوه در معرض دید عموم مردم قرار میگیرد

- که کار بجا و مناسبی است - لیکن حادثه‌ی هفتم تیر حادثه‌ای است که به سرنوشت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ارتباط دارد، و این حادثه برای جمهوری اسلامی سرنوشت‌ساز بود. اگرچه شهدای این حادثه جزو بهترین و برجسته‌ترین عناصر نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی بودند و یاد آنها هرگز فراموش نخواهد شد - بخصوص شخصیت برجسته و نورانی مرحوم آیه‌الله بهشتی (رضوان الله تعالی علیه) و دیگر شهدا - لیکن با این همه، در این حادثه، چهره‌ی نفاق در کشور آشکار شد؛ پشت سر عناصر نفاق هم عناصر استکبار خودشان را نشان دادند. برای یک نظام نوپا، روشن شدن چهره‌ی دشمنان، چیز کوچکی نیست. منافقینی که خودشان را پیرو خدا و پیغمبر و اسلام و نهج‌البلاغه معرفی میکردند، با این حادثه، خود را مفتضح کردند؛ نشان دادند که چقدر با ارکان نظام اسلامی، با چهره‌های موجّه، شخصیت‌های برجسته، علمای بزرگ، خدمتگزاران صادق و کارآمد، اینها دشمنند، مخالفند؛ چهره‌ی اینها روشن شد. اگر حوادث معدودی از قبیل هفتم تیر اتفاق نمی افتاد و این سرمایه‌ها از دست ملت ایران نمیرفت، یقیناً ملت عزیز ایران نمیتوانست چهره‌ی منافقین را اینجور آشکار تشخیص دهد؛ باز آنها نمیتوانستند نفوذ کنند - «و لاوضعوا خلالکم» (۱) - نمیتوانستند خودشان را موجّه جلوه دهند. این حادثه، افشاگر واقعیت پلید منافقین شد. دشمنان اساسی و اصلی اسلام، یعنی استکبار و صهیونیستها از اینها حمایت کردند؛ پس چهره‌ی آنها هم آشکار شد.

۱,۱. هرچند این حادثه سرمایه‌هائی را از ما گرفت؛ اما این خونهای بناحق ریخته شده مثل همه شهادتها، برای ملت ایران دستاوردهای بزرگی با خود آورد

درست است که این حادثه سرمایه‌هائی را از ما گرفت، اما این شهادتها، این خونهای بناحق ریخته، برای ملت ایران دستاوردهای بزرگی هم با خود آورد، مثل همه‌ی شهادتها؛ شهادت اینجور است. کشته شدن در راه خدا، ریختن خون مظلومان در راه خدا، این اثر قهری و طبیعی را دارد که با خود دستاوردهائی را به امت اسلامی، به ملت‌های مسلمان، به تاریخ اسلام تقدیم میکند. ما یاد این شهیدان را هرگز فراموش نخواهیم کرد، یاد این حادثه را فراموش نخواهیم کرد. ارزش فداکارانی که در آن مجمع برای خدا اجتماع کرده بودند و مورد این تهاجم ظالمانه و وحشیانه قرار گرفتند، پیش خدای متعال و پیش ملت ایران محفوظ است.

۲. باید از مسئولان قوه قضائیه، آحاد کارکنان و قضات محترم حقیقتاً تشکر کنیم؛ آنچه انجام گرفته، بسیار با ارزش و در جهت کارآمدی این قوه است

درباره‌ی قوه‌ی قضائیه چند جمله‌ای عرض کنیم: اولاً تشکر میکنیم از رئیس محترم قوه. بیانات امروز ایشان بیانات وافی و بسیار مفیدی بود، روشنگر بود. پشت سر این بیانات هم اقدامات و تلاشهای ارزنده‌ای است؛ که هم از ایشان، هم از مسئولان بالای قوه، هم از آحاد کارکنان و قضات محترم و کارکنان قضائی و غیرقضائی در قوه باید حقیقتاً تشکر کنیم. آنچه که انجام گرفته است، بسیار باارزش است و در جهت کارآمدی قوه‌ی قضائیه است.

۳. در قوه قضائیه همیشه باید دو هدف اعلی را در نظر داشت: سلامت و کارآمدی؛ اگر این دو تحقق یافت، محصول آن را جامعه اسلامی خواهد چشید

آنچه که من عرض میکنم، این است که در قوه‌ی قضائیه دو هدف اعلی را باید همیشه در نظر داشت؛ همه‌ی کارها باید در جهت این دو هدف اعلی انجام بگیرد؛ که اگر این دو هدف تحقق پیدا کرد، آن وقت محصول آن را جامعه‌ی اسلامی خواهد چشید. آن دو هدف، یکی عبارت است از سلامت قوه، دوم کارآمدی قوه. همه‌ی تلاشها باید این باشد که این قوه تبدیل شود به یک مجموعه‌ی کاملاً کارآمد و کاملاً سالم. اگر این شد، آن وقت مردم میوه را خواهند چشید. آن میوه چیست؟ احساس رضایت و احساس امنیت، به برکت حضور قوه‌ی قضائیه. این برای یک کشور، برای یک جامعه لازم است. این همه تأکیدی که در اسلام، در متون اسلامی، در قرآن کریم، در روایات، نسبت به قضاوت و حل و فصل خصومتها شده است، برای همین است که جامعه بتواند احساس رضایت کند؛ هر مظلومی احساس کند که میتواند خود را به ساحل امن قوه‌ی قضائیه برساند و جلوی ظلم گرفته شود. این لازم است.

۳,۱. باید کارها با دقت پیگیری شود و قدم به قدم رعایت و مراقبت شود؛ تا اینکه بتوانیم به نتیجه مطلوب برسیم

همین طور که من بارها عرض کرده‌ام و رئیس محترم قوه هم الان اشاره کردند، خروجی‌ها را باید دائماً مراقبت کرد، پیشرفت کارها را باید مراقبت کرد. همه‌ی این کارهائی که ذکر شده است، لازم است، و لازم بوده است. نتیجه آن وقتی حاصل خواهد شد که این کارها با دقت دنبال شود، پیگیری شود، قدم به قدم رعایت و مراقبت شود، تا اینکه بتوانیم به آن نتیجه‌ی مطلوب برسیم. اگر این

شد، ان شاءالله قوه‌ی قضائیه همان چیزی خواهد شد که اسلام و قرآن برای این قوه و برای این مجموعه‌ی کارآمد در جامعه خواسته و اراده کرده است.

۳,۲. با وجود همه اقدامات و تلاشهای مثبت، هنوز بین مقصود اسلام و قوانین اسلامی با واقعیت موجود قوه قضائیه، فاصله وجود دارد البته خلأهائی وجود دارد. درست است این که فرمودند با این همه اقدامات، با این همه تلاشهای مثبت، هنوز فاصله وجود دارد بین آنچه که مطلوب مسئولان قوه است و مقصود اسلام و قوانین اسلامی است، با آنچه که در واقعیت وجود دارد. گفتنش آسان است، لیکن واقعاً کار دشواری است؛ پیمودن این راهها و قدم به قدم صیانت کردن از این خصوصیات، واقعاً کار دشواری است؛ لیکن از خدای متعال باید کمک خواست. این فاصله باید طی شود.

۱,۲,۳. البته توقع نداریم که در عرض دو یا پنج سال این فاصله‌ها طی شود، لیکن حرکت مسئولان قوه باید در جهت پر کردن خلأها ادامه پیدا کند

البته توقع نداریم که در عرض دو سال و پنج سال این فاصله‌ها طی شود، لیکن باید در جهت پر کردن خلأها حرکت ادامه پیدا کند. این عرض ما است. همه‌ی مسئولان قوه‌ی قضائیه در سطوح مختلف، خودشان را واقعاً موظف کنند به این که قوه را به این دو خصوصیت – یعنی خصوصیت سلامت، و خصوصیت کارآمدی – برسانند. البته خلأها برای آقایان محترم و مسئولان قوه روشن است؛ هم در گزارشهایی که داده میشود، نشان داده میشود که خلأها را می‌شناسند، هم در مذاکراتی که انجام میگیرد، انسان احساس میکند که این خلأها برای مسئولان قوه شناخته شده است. گاهی نکاتی هم به نظر ما میرسد، که به رئیس محترم قوه و به بعضی مسئولان قوه عرض میکنیم، اینها را تذکر میدهم. به هر حال خلأها روشن است. در جهت پر کردن این خلأها باید همت گماشت، نباید مأیوس شد؛ باید کار را همچنان پیش برد و روزه‌روز قوه‌ی قضائیه را بهتر و شکوفاتر کرد.

۳,۳. پیشرفت کارها با برنامه‌ریزی و پیمودن برنامه‌ها امکان پیدا می کند؛ هیچ اغمازی در حرکت در جهت برنامه سوم این قوه صورت نگیرد

البته اینجا یک نکته‌ای وجود دارد و آن این است که پیشرفت کار و رسیدن به هدف، با پیمودن برنامه‌ها میسر است؛ با برنامه‌ریزی امکان پیدا میکند. خوشبختانه برنامه‌ی سوم تصویب شده است، ابلاغ شده است؛ در دست و بال قوه‌ی قضائیه، در مجموعه‌ی قوه‌ی قضائیه، با این تفصیلی که گفتند – این بخشنامه‌ها و آئین‌نامه‌های گوناگون – این برنامه در حال پیشرفت کردن است. هیچ اغمازی در حرکت در جهت برنامه نباید صورت بگیرد؛ اگر این شد، ان شاءالله روزه‌روز وضع قوه بهتر خواهد شد.

ب) تشکر از مردم در خلق حماسه سیاسی، معانی و نشانه و برجستگی انتخابات اخیر، ضرورت کمک به منتخب مردم و نکاتی در زمینه اظهارات نامزدها



۱. تشکر می کنم از ملت بزرگ، بصیر و هوشمند ایران اسلامی به خاطر کار بزرگی که در زمینه انتخابات انجام دادند

من از این فرصت استفاده کنم، تشکر کنم از ملت بزرگ و بصیر و هوشمندان در زمینه‌ی این کار بزرگی که در این فصل مهم انجام دادند؛ یعنی مسئله‌ی انتخابات. نمیشود ما این مسئله‌ی مهم و اساسی را از دائره‌ی تحلیل و تذکر و توجه خارج کنیم.

۲. دشمنان از یک سال قبل برنامه ریزی منفی کردند، فریادها کشیدند و فشارها وارد کردند تا این حادثه را به صورتی که خود می خواستند، دریابورند

حادثه‌ای که از یک سال قبل تقریباً، مخالفان جمهوری اسلامی، دشمنان جمهوری اسلامی، درباره‌ی آن حادثه داشتند برنامه‌ریزی منفی میکردند؛ پولها خرج کردند، فکرها کردند، فریادها کشیدند، کارهای گوناگون انجام دادند، فشارها وارد کردند، برای اینکه این حادثه را به آن صورتی که خودشان میخواستند، دریابورند؛ یا انتخابات اتفاق نیفتد، یا انتخابات با اقبال کم مردم، با بی‌اعتنائی مردم مواجه شود؛ یا اینکه حتی بعد از انتخابات بهانه‌هائی به وجود بیاید که بتوانند مقاصد شوم خودشان را در کشور اعمال کنند؛ برای همه‌ی اینها برنامه‌ریزی کرده بودند. اینها همه‌اش خبرهای پنهان نیست، اطلاعات ویژه و پنهان نیست؛ خیلی از آنها اطلاعات آشکار است. هر کسی رفتارهای جبهه‌ی دشمن جمهوری اسلامی را در این حدود یک سال دیده باشد، دنبال کرده باشد، یا شنیده باشد، میفهمد که اینها چه برنامه‌ریزی‌ای کرده بودند.

۳. آنچه که اتفاق افتاد، ۱۸۰ درجه عکس چیزی بود که دشمنان میخواستند؛ این حادثه کوچکی نیست که بخواهند با تحلیل‌های آبکی از آن بگذرند

خب، آنچه که اتفاق افتاد، صد و هشتاد درجه عکس آن چیزی بود که آنها میخواستند. این چیز کمی است؟ این حادثه‌ی کوچکی است که ماستمالی کنند، با تحلیل‌های آبکی از روی قضیه بگذرند؟ خیر، ملت ایران عظمتی را از خود ساطع کرد؛ ملت ایران کار بزرگ و کارستانی انجام داد؛ در عرصه‌ی مواجهه و مقابله و خصومت و کینه‌ورزی دشمنان بین‌المللی، از خود مهارت نشان داد. چرا این را پنهان کنند؟ چرا این را بارها تکرار نکنیم؟

۴. نکات فراوانی در این انتخابات بود که چند نکته اساسی را عرض می کنم:

۱، ۴. دشمن مدتها درباره صحت انتخابات و مجریان و ناظران آن تردیدآفرینی کرد تا مردم را دلسرد کند، اما مردم با حضور خود عکس عمل کردند

چند نکته‌ی اساسی در این انتخابات بود. البته نکات فراوانی است، اما من دو سه نکته را عرض میکنم: یکی همین حضور مردم است. از مدتها قبل شبهه‌پراکنی کردند، تردیدآفرینی کردند؛ درباره‌ی صحت انتخابات، درباره‌ی مجریان و ناظران انتخابات هی گفتند، برای اینکه مردم را دلسرد کنند، تردید ایجاد کنند، که منجر بشود به نیامدن مردم پای صندوقهای رأی؛ اما مردم درست عکس عمل کردند. جوری شد که خود دستگاههای تبلیغاتی دشمن هم نتوانستند انکار کنند، ندیده بگیرند. روزی که انتخابات بود، در همان اوان انتخابات، رسانه‌های

دشمن گفتند که اجتماع مردم زیاد است، پرشور است، همه آمده‌اند، از صبح آمده‌اند. این خیلی پدیده‌ی مهمی بود. پس مسئله‌ی اول، همین حضور مردم بود، که یک معنای مهمی داشت.

۱، ۴. معنای حضور مردم این بود که به نظام اسلامی علاقه مندند، به برگزارکنندگان انتخابات اعتماد دارند و امیدوار به حرکت مستمر پیشرونده کشورند

معنای حضور مردم این بود که به سرنوشت کشور علاقه‌مندند؛ به نظام جمهوری اسلامی، که این انتخابات جزو ارکان و متون آن است، علاقه‌مندند؛ به دستگاههای برگزارکننده‌ی انتخابات - چه مجری، چه ناظر - اعتماد دارند و امیدوار به حرکت مستمر پیشرونده‌ی کشورند. این مسئله‌ی اعتماد، نکته‌ی بسیار مهمی است. در کنار هوشمندی مردم، بصیرت مردم در این حضور، اعتماد عمومی هم نکته‌ی بسیار مهمی است.

۲، ۴. حضور افرادی که دل صافی از نظام ندارند، نشان داد که به نظام اعتماد دارند و معتقدند نظام از منافع کشور و عزت ملی دفاع و حفاظت میکند

جالب اینجا است که ما به مردم عزیزمان عرض کردیم که خب مردم نظامشان را دوست میدارند، می‌آیند رأی میدهند؛ اما اگر احياناً کسی هم هست که با نظام اسلامی خیلی دل صافی ندارد، اما برای کشور خودش و منافع کشور اهمیت قائل است، او هم بیاید. لابد بعضی‌ها از این مجموعه بودند و آمدند. این نشان‌دهنده‌ی چیست؟ نشان‌دهنده‌ی این است که حتی کسانی که طرفدار نظام هم نیستند، به نظام اعتماد دارند؛ آنها هم میدانند که نظام جمهوری اسلامی منافع کشور را و عزت ملی را میتواند حفظ کند و از آن دفاع کند. مشکل دولتها در کشورهای مختلف این است که در مقابل هجمه‌های جهانی، در مقابل طمع‌ورزان بین‌المللی، قادر نیستند از ملتشان، از منافعشان، از عزتشان دفاع کنند. جمهوری اسلامی، استوار و مستحکم مثل شیر در مقابل دشمنان ایستاده، از منافع ملت دفاع میکند؛ این را حتی آن کسانی هم که احياناً آمدند رأی دادند، اما به نظام اعتقادی هم نداشتند، با این کار خودشان تصدیق کردند؛ نشان دادند که اعتماد به نظام جمهوری اسلامی، عمومی است. این هم یک نکته، که خیلی مهم است.

۲، ۴. انتخابات ریاست جمهوری و شوراها در بسیاری کشورها با درگیری انجام می گیرد؛ اما حادثه ای که نشان‌دهنده ناامنی در کشور باشد، گزارش نشد

یک نکته‌ی دیگری که در این انتخابات بود و غالباً مورد غفلت قرار میگیرد، این است که این انتخابات، انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات شوراها با هم بود. انتخابات ریاست جمهوری در بسیاری از کشورها با درگیری و مخاصمه و دعوا و کتک‌کاری و احياناً خونریزی انجام میگیرد. انتخابات شوراها در مناطق دوردست، از انتخابات ریاست جمهوری هم از این جهت حساستر است. در فلان روستا، در فلان شهر کوچک، بین دو طایفه، بین بالای ده و پائین ده، بین گروههای مختلف در یک روستا یا یک شهر کوچک، امکان درگیری و امکان مخالفت وجود دارد. در این کشور وسیع، در این خاک پهناور، در این ده‌ها هزار شهر و روستا در سراسر کشور، یک حادثه که نشان‌دهنده‌ی ناامنی در این کشور باشد، اتفاق نیفتاد و گزارش نشد.





۴,۲,۱. این انتخابات، امنیت گسترده کشور وسیع و پهناور ایران را نشان داد؛ این امر کوچکی نیست

این چیز کوچکی است؟ «نعمتان مجهولتان الصّحّة و الامان». امنیت برای یک ملت جزو اساسی‌ترین نیازها است. اگر امنیت بود، پیشرفت به وجود می‌آید، علم رشد میکند، اقتصاد شکوفائی پیدا میکند، سازندگی کشور امکان پیدا میکند. امنیت به این گستردگی در این کشور، خودش را در این انتخابات نشان داد. هرچه میخواستند دستگاه‌های امنیتی کشورمان با تبلیغات بگویند، نمیتوانستند این حقیقت را به این روشنی بیان کنند که انتخابات بیان کرد. این انتخابات نشان داد که بحمدالله در این کشور، به خاطر همراهی مردم، به خاطر هوشیاری مسئولان امور، در بخش‌های مختلف و در سراسر کشور - کشور به این بزرگی - امنیت خوبی برقرار است. این هم یک نکته است.

۴,۳. نکته ای که در این انتخابات برجسته بود اینکه نامزدهای مختلف با نجابت و قانون‌پذیری با رئیس جمهور منتخب دیدار کردند و به او تبریک گفتند

یک نکته‌ی دیگری که در این انتخابات به نظر بنده برجسته بود و جا دارد که انسان خدا را شکر کند، این بود که بعد از انتخابات، نامزدهای مختلف با نجابت و قانون‌پذیری در این قضیه عمل کردند و واکنش نشان دادند؛ این خیلی چیز مهمی است. رفتند با رئیس جمهور منتخب، برادرانه و دوستانه دیدار کردند و به او تبریک گفتند، اظهار خرسندی کردند. بنده لازم است از این حضرات تشکر کنم. این است که کام مردم را شیرین میکند، این است که موجب میشود مردم احساس کنند موفقیت به دست آورده‌اند. حالا اگر بدقلقی نشان میدادند، در این قضایا رفتار نانجیبانه میکردند، یک چیزی را بهانه میکردند، دعوائی راه می‌انداختند - که دعوا را به هر بهانه‌ای میشود راه انداخت - کام مردم تلخ میشد.

۴,۳,۱. اینکه ما بارها از حوادث سال ۸۸ انتقاد کردیم، به این خاطر بوده که عده ای کام مردم را تلخ کردند؛ در حالیکه راه برای قانونگرایی وجود دارد

اینکه ما بارها و به تکرار از حوادث سال ۸۸ شکایت کردیم، گله کردیم، انتقاد کردیم، به خاطر این است. در یک انتخابات باعظمت و باشکوه، مردم احساس پیروزی میکنند؛ بعد یک نفر، دو نفر، چهار نفر آدم بیایند کام مردم را تلخ کنند؛ در حالی که راه برای قانونگرایی وجود دارد. این، آن سال اتفاق افتاد؛ کام مردم تلخ شد، شیرینی انتخابات از مردم دریغ داشته شد؛ در انتخابات امسال نه، بحمدالله کام مردم شیرین شد، مردم شادی کردند. رفتار باید قانونمدارانه باشد.

۴,۳,۲. نتیجه رعایت قانون در انتخابات امسال این شد که کام مردم شیرین و دلشان شاد شد؛ تاکید زیاد ما بر قانون گرایی نیز به همین خاطر بود

اینکه ما این همه تأکید کردیم بر این که قانون را رعایت کنید، این نتیجه‌اش است. وقتی قانون رعایت شد، دهن مردم شیرین میشود، دل مردم شاد میشود. این باید برای همیشه برای ما درس باشد. مردم هم در اینجور قضایا تفرّس میکنند، نگاه میکنند، چهره‌های سیاسی را شناسائی میکنند. آن چهره‌ی سیاسی‌ای که با نجابت، با قانونمداری در قضایا برخورد میکند، مردم از او خوششان می‌آید. آن کسانی که به قانون بی‌اعتنائی میکنند، واگرایی از قانون میکنند - به هر بهانه‌ای - آنها را هم مردم شناسائی میکنند؛ از آنها بدشان

می‌آید. این هم یک نکته‌ی اساسی است.

۴,۴. لطف پروردگار بود که دل‌های ملت را هدایت کرد و نیروهای عظیم مردم وارد صحنه شدند و حماسه سیاسی را به وجود آوردند به هر حال انتخابات حقیقتاً یک پدیده‌ی برجسته و مهم بود؛ و این فضل الهی بود، لطف پروردگار بود که دل‌های ملت را هدایت کرد و نیروهای عظیم مردم وارد صحنه شدند و این حماسه را به وجود آوردند. انتخابات حقیقتاً حماسه شد؛ مردم همان چیزی را که آرزوی خیرخواهان بود که یک حماسه‌ی سیاسی به وجود بیاید، تحقق دادند

۴,۵. همه باید به منتخب مردم کمک کنند؛ نباید به توقعات زیاد دامن زد و در قضایا زیاد شتابزده برخورد و قضاوت کرد تا کارهای مهم کشور انجام شود

حالا هم باید به آن کسی که منتخب مردم است، همه کمک کنند، دستگاه‌های مختلف کمک کنند؛ این عرض ما است. اداره‌ی امور کشور، برادران و خواهران! کار سختی است. از دور میشود نشست ایرادگیری کرد. مکرر ما مثال زدیم: یک نفر کنار استخر بنشیند و از آن کسی که از طبقه‌ی چنم این سکو دارد در آب شیرجه میزند، ایراد بگیرد؛ که بله اینجا پایش کج شد، اینجا دستش راست نبود، خوب نیامد. ایراد گرفتن، آسان است؛ اما اگر قرار باشد خود ما برویم آن بالا و بخواهیم شیرجه بزنیم، می‌بینیم جرأت نمیکنیم. ایراد گرفتن و اعتراض کردن، آسان است. نمیگوئیم کسی ایراد نگیرد، انتقاد نکند، اعتراض نکند؛ چرا، انتقاد کردن و اعتراض کردن سالم قطعاً برای پیشرفت کار کشور مفید است؛ اما این را هم باید توجه داشت که کار اجرائی سخت است. حالا بحمدالله مردم یک رئیس جمهور انتخاب کردند؛ باید همه به این رئیس جمهور کمک کنند. توقعات را هم نباید زیاد دامن زد، نباید در قضایا زیاد شتابزده برخورد و قضاوت کرد، تا ان‌شاءالله کارهای مهم کشور انجام شود.

۴,۶. در مورد اظهاراتی که نامزدهای محترم در تلویزیون کردند عریضی دارم که به اجمال می‌گویم:

۴,۶,۱. دولت کنونی نقاط قوّت فراوانی دارد، هرچند نقاط ضعفی هم وجود دارد؛ اما خدمات مهم انجام شده در اظهارات نامزدها غالباً ندیده گرفته شد

من در مورد اظهاراتی هم که نامزدهای محترم در تلویزیون کردند - قبل از انتخابات عرض کردم - عریضی دارم؛ فعلاً خیلی مجال نیست انسان تفصیل را بگوید؛ لیکن یکی از حرف‌های ما همین است.

دولت کنونی هم نقاط قوّت فراوانی دارد، گیرم نقاط ضعفی هم وجود دارد

بله، نقاط ضعفی وجود دارد، اما نقاط قوّت را هم باید دید. دولت کنونی هم نقاط قوّت فراوانی دارد، گیرم نقاط ضعفی هم وجود دارد. کدام ما در کار کردمان، در عملمان، نقطه‌ی ضعف نداریم؟ نقاط قوّت را هم باید دید. کارهای مهمی در کشور انجام گرفته است. خدماتی که شده، کارهای زیربنائی‌ای که انجام گرفته، سازندگی‌هایی که انجام گرفته، اینها را نباید ندیده گرفت. اینها در اظهارات نامزدهای محترم، در برنامه‌های دو سه هفته‌ای تبلیغات انتخابات، غالباً ندیده گرفته میشد.





۱,۱,۴,۶. بدیهی است کسی که خود را به مردم عرضه میکند، اشکالات موجود را دیده و به مردم هم می گوید؛ اما در این زمینه نباید مطلق نگاه کرد

چقدر خوب بود وقتی که مثلاً معضل اقتصادی را بیان میکنند، گرانی را بیان میکنند، تورم را بیان میکنند - که البته اینها واقعیت هم دارد - در کنارش کارهائی که انجام گرفته است، زحماتی که کشیده شده، اینها را هم بیان میکردند. اینجور برخورد کردن، انصاف است. انسان باید هم جهات مثبت را ببیند، هم جهات منفی را ببیند. البته بدیهی است کسی که خود را به مردم عرضه میکند، اشکالات موجود را می بیند، به مردم هم میگوید، این ایرادی ندارد؛ اما در این زمینه نباید مطلق نگاه کرد و فکر کرد؛ نقاط مثبت هم باید گفته شود، نقاط منفی هم گفته شود.

۲,۴,۶. مسئله جبهه دشمنان ما این است که نمی خواهند موضوع هسته‌ای ایران حل شود؛ اگر لجبازی آنها نبود، موضوع هسته‌ای براحتی حل می شد

یک جمله هم در خصوص قضیه‌ی هسته‌ای عرض کنم - در آینده اگر لازم شد، شاید مفصلتر عرض کنیم - من در سخنرانی روز اول سال گفتم جبهه‌ی مخالف ما که عمدتاً منحصر در چند کشور معدودِ زورگو و زیاده‌خواه است و اسم خودشان را بغلط و بدروغ میگذارند جامعه‌ی جهانی، و در رأس آنها آمریکا است، محرک اصلی هم صهیونیست‌هایند، مسئله‌ی اینها این است که نمیخواهند موضوع هسته‌ای ایران حل شود. اگر لجبازی آنها نبود، موضوع هسته‌ای براحتی حل میشد. بارها تا لحظه‌ی حل پیش رفتیم، امضاء کردند، آژانس هسته‌ای امضاء کرد؛ قبول کرد که این اشکالاتی که وجود داشته، برطرف شده - اینها موجود است، اینها سند است؛ اینها که قابل انکار نیست - خب باید قضیه تمام میشد، پرونده‌ی هسته‌ای کشور باید پایان پیدا میکرد. آمریکائی‌ها بلافاصله یک چیز جدید را مطرح کردند، آوردند وسط. نمیخواهند قضیه تمام شود. نمونه‌های متعددی را ما در این زمینه داریم. حل مسئله‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی، به حسب طبیعت خود، از جمله‌ی کارهای سهل و آسان و روان است؛ اما وقتی طرف مقابل مایل نیست این قضیه حل شود، خب بله همین جور میشود که ملاحظه میکنید.

۱,۲,۴,۶. نظام در قضیه هسته ای قانونی، شفاف و منطقی عمل کرده است؛ منتها این مساله نقطه ای برای فشار، تهدید، خسته کردن و تغییر نظام است

بنابراین این را باید توجه داشته باشند؛ جمهوری اسلامی در قضیه‌ی هسته‌ای، هم قانونی عمل کرده است، هم شفاف عمل کرده است، هم از لحاظ استدلالی، منطقی عمل کرده است؛ منتها این یک نقطه‌ای است که برای فشار بر جمهوری اسلامی این را مناسب دانسته‌اند. اگر این هم نباشد، یک قضیه‌ی دیگری را برای فشار مطرح میکنند. هدف، تهدید است؛ هدف، فشار است؛ هدف، خسته کردن است. خودشان گفتند: هدف، تغییر دادن نظام سیاسی و سازوکار سیاسی است. البته در حرفهای خصوصی که میزنند، یا گاهی نامه که مینویسند، میگویند نه، ما نمیخواهیم نظام را تغییر دهیم؛ لیکن در گوشه و کنار حرفهایشان، در اظهاراتشان، در عملکردشان، این مسئله کاملاً روشن است. ملتی که زیر فرمان آنها نباشد، بر طبق میل آنها عمل نکند، بر طبق سلیقه‌ی آنها در ممشای خود عمل نکند،

مغضوب آنها است. حکومتها و دولتها هم اگر در مقابل آنها مطیع و سربه‌راه بودند، برایشان مقبولند؛ نه دموکراسی برای آنها اهمیت دارد، نه حقوق بشر اهمیت دارد، نه هسته‌ای اهمیت دارد.

۲,۲,۴,۶. دشمن نمی پسندد که جمهوری اسلامی با اتکاء به قدرت خود و اعتماد به خدا، روی پای خود ایستاده و در جهات مختلف در حال پیشرفت است

مسئله این است که جمهوری اسلامی روی پای خود ایستاده است، با اتکاء به قدرت خود ایستاده است، با اعتماد به خدای متعال ایستاده است، و در جهات مختلف دارد پیشرفت میکند؛ این را اینها نمی‌پسندند، و نپسندند.

۳,۲,۴,۶. راه جمهوری اسلامی، راه خدا؛ هدفها، هدفهای الهی و تکیه‌گاه، اراده الهی است؛ اینچنین راهی هیچ وقت به بن‌بست منتهی نخواهد شد

البته تجربه‌ی جمهوری اسلامی و تجربه‌ی ملت ایران نشان داد که در این راه، آن که پیروز است، ملت ایران است و او است که به دشمنان خود سیلی خواهد زد. راه نظام جمهوری اسلامی، راه خدا است؛ هدفها، هدفهای الهی است؛ تکیه‌گاه، اراده‌ی الهی است؛ و اینچنین راهی هیچ وقت به بن‌بست منتهی نخواهد شد. این را همه باید بدانند و مطمئن باشند که به توفیق الهی و به اذن الله بن‌بستی در راه ما وجود نخواهد داشت.

موخره

امیدواریم ان شاء الله همچنان که تا امروز ملت ایران روزبه‌روز پیشرفت کرده‌اند، بعد از این هم با ابتکار مسئولان، با حرکت مسئولان، با همت و توکل مسئولان، این پیشرفت ادامه پیدا کند و همه‌ی ملت ایران مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فدا) باشند و روح مطهر امام و ارواح شهدا از ما و شماها راضی باشد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

پاورقی

(۱) توبه: ۴۷.



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	تنظیم همه کارهای در جهت سلامت و کارآمدی به عنوان دو هدف اعلی در قوه قضائیه	مسئولان قوه قضائیه	در قوهی قضائیه دو هدف اعلی را باید همیشه در نظر داشت؛ همه‌ی کارها باید در جهت این دو هدف اعلی انجام بگیرد؛ که اگر این دو هدف تحقق پیدا کرد، آن وقت محصول آن را جامعه‌ی اسلامی خواهد چشید. آن دو هدف، یکی عبارت است از سلامت قوه، دوم کارآمدی قوه. همه‌ی تلاشها باید این باشد که این قوه تبدیل شود به یک مجموعه‌ی کاملاً کارآمد و کاملاً سالم. اگر این شد، آن وقت مردم میوه را خواهند چشید. آن میوه چیست؟ احساس رضایت و احساس امنیت، به برکت حضور قوهی قضائیه. این برای یک کشور، برای یک جامعه لازم است... همه‌ی مسئولان قوهی قضائیه در سطوح مختلف، خودشان را واقعاً موظف کنند به این که قوه را به این دو خصوصیت - یعنی خصوصیت سلامت، و خصوصیت کارآمدی - برسانند.
۲	دقت و مراقبت لحظه به لحظه از پیشرفت کارها و خروجی‌ها	مسئولان قوه قضائیه	خروجی‌ها را باید دائماً مراقبت کرد، پیشرفت کارها را باید مراقبت کرد. همه‌ی این کارهایی که ذکر شده است، لازم است، و لازم بوده است. نتیجه آن وقتی حاصل خواهد شد که این کارها با دقت دنبال شود، پیگیری شود، قدم به قدم رعایت و مراقبت شود، تا اینکه بتوانیم به آن نتیجه‌ی مطلوب برسیم. اگر این شد، ان شاءالله قوهی قضائیه همان چیزی خواهد شد که اسلام و قرآن برای این قوه و برای این مجموعه‌ی کارآمد در جامعه خواسته و اراده کرده است.



۳

کم کردن فاصله میان واقعیت موجود در قوه قضائیه با مقصود اسلام و قوانین اسلامی

مسئولان قوه قضائیه

فرمودند با این همه اقدامات، با این همه تلاشهای مثبت، هنوز فاصله وجود دارد بین آنچه که مطلوب مسئولان قوه است و مقصود اسلام و قوانین اسلامی است، با آنچه که در واقعیت وجود دارد. گفتنش آسان است، لیکن واقعاً کار دشواری است؛ پیمودن این راهها و قدم به قدم صیانت کردن از این خصوصیات، واقعاً کار دشواری است؛ لیکن از خدای متعال باید کمک خواست. این فاصله باید طی شود.

۴

ادامه حرکت در جهت پر کردن خلأهای قوه قضائیه

مسئولان قوه قضائیه

توقع نداریم که در عرض دو سال و پنج سال این فاصله‌ها طی شود، لیکن باید در جهت پر کردن خلأها حرکت ادامه پیدا کند. این عرض ما است...البته خلأها برای آقایان محترم و مسئولان قوه روشن است؛ هم در گزارشهایی که داده میشود، نشان داده میشود که خلأها را میشناسند، هم در مذاکراتی که انجام میگیرد، انسان احساس میکند که این خلأها برای مسئولان قوه شناخته شده است. گاهی نکاتی هم به نظر ما میرسد، که به رئیس محترم قوه و به بعضی مسئولان قوه عرض میکنیم، اینها را تذکر میدهم. به هر حال خلأها روشن است. در جهت پر کردن این خلأها باید همت گماشت، نباید مأیوس شد؛ باید کار را همچنان پیش برد و روزه‌روز قوهی قضائیه را بهتر و شکوفاتر کرد.



۵	عدم اغماض در حرکت قوه قضائیه در جهت برنامه سوم	مسئولان قوه قضائیه	پیشرفت کار و رسیدن به هدف، با پیمودن برنامه‌ها میسر است؛ با برنامه‌ریزی امکان پیدا میکند. خوشبختانه برنامه‌ی سوم تصویب شده است، ابلاغ شده است؛ در دست و بال قوه‌ی قضائیه، در مجموعه‌ی قوه‌ی قضائیه، با این تفصیلی که گفتند - این بخشنامه‌ها و آئین‌نامه‌های گوناگون - این برنامه در حال پیشرفت کردن است. هیچ اغماضی در حرکت در جهت برنامه نباید صورت بگیرد؛ اگر این شد، ان‌شاءالله روزبه‌روز وضع قوه بهتر خواهد شد.
۶	لزوم کمک به رئیس جمهور منتخب؛ در کنار انتقاد و اعتراض سالم	همه مسئولان و دستگاه‌ها	باید به آن کسی که منتخب مردم است، همه کمک کنند، دستگاه‌های مختلف کمک کنند؛ این عرض ما است. اداره‌ی امور کشور، برادران و خواهران! کار سختی است. از دور میشود نشست ایرادگیری کرد. مکرر ما مثال زدیم: یک نفر کنار استخر بنشیند و از آن کسی که از طبقه‌ی چندم این سکو دارد در آب شیرجه میزند، ایراد بگیرد؛ که بله اینجا پایش کج شد، اینجا دستش راست نبود، خوب نیامد. ایراد گرفتن، آسان است؛ اما اگر قرار باشد خود ما برویم آن بالا و بخواهیم شیرجه بزنیم، می‌بینیم جرأت نمی‌کنیم. ایراد گرفتن و اعتراض کردن، آسان است. نمی‌گوئیم کسی ایراد نگیرد، انتقاد نکند، اعتراض نکند؛ چرا، انتقاد کردن و اعتراض کردن سالم قطعاً برای پیشرفت کار کشور مفید است؛ اما این را هم باید توجه داشت که کار اجرایی سخت است.
۷	دامن نزدن به توقعات مردم از رئیس جمهور منتخب	خواص و نخبگان سیاسی	بحمدالله مردم یک رئیس جمهور انتخاب کردند؛ باید همه به این رئیس جمهور کمک کنند. توقعات را هم نباید زیاد دامن زد، نباید در قضایا زیاد شتابزده برخورد و قضاوت کرد، تا ان‌شاءالله کارهای مهم کشور انجام شود.

۸	دوری از شتابزدگی در برخورد و قضاوت نسبت به رئیس جمهور منتخب	خواص و نخبگان سیاسی	بحمدالله مردم یک رئیس جمهور انتخاب کردند؛ باید همه به این رئیس جمهور کمک کنند. توقعات را هم نباید زیاد دامن زد، نباید در قضایا زیاد شتابزده برخورد و قضاوت کرد، تا ان‌شاءالله کارهای مهم کشور انجام شود.
۹	لزوم دیدن نقاط قوت دولت دهم در کنار نقاط ضعف	نخبگان سیاسی و نامزدهای انتخابات	نقاط ضعفی وجود دارد، اما نقاط قوت را هم باید دید. دولت کنونی هم نقاط قوت فراوانی دارد، گیرم نقاط ضعفی هم وجود دارد. کدام ما در کار کردمان، در عملمان، نقطه‌ی ضعف نداریم؟ نقاط قوت را هم باید دید. کارهای مهمی در کشور انجام گرفته است. خدماتی که شده، کارهای زیربنایی‌ای که انجام گرفته، سازندگی‌هایی که انجام گرفته، اینها را نباید ندیده گرفت. اینها در اظهارات نامزدهای محترم، در برنامه‌های دو سه هفته‌ای تبلیغات انتخابات، غالباً ندیده گرفته میشد.
۱۰	دوری از نگاه مطلق به نقاط منفی دولت گذشته	نامزدهای انتخابات	چقدر خوب بود وقتی که مثلاً معضل اقتصادی را بیان میکنند، گرانی را بیان میکنند، تورم را بیان میکنند - که البته اینها واقعیت هم دارد - در کنارش کارهایی که انجام گرفته است، زحماتی که کشیده شده، اینها را هم بیان میکردند. اینجور برخورد کردن، انصاف است. انسان باید هم جهات مثبت را ببیند، هم جهات منفی را ببیند. البته بدیهی است کسی که خود را به مردم عرضه میکند، اشکالات موجود را می‌بیند، به مردم هم می‌گوید، این ایرادی ندارد؛ اما در این زمینه نباید مطلق نگاه کرد و فکر کرد؛ نقاط مثبت هم باید گفته شود، نقاط منفی هم گفته شود.

بدانید که در راه جمهوری
اسلامی به اذن الله بن بستى
وجود ندارد

مسئولان و
مردم

تجربه‌ی جمهوری اسلامی و تجربه‌ی ملت ایران نشان داد که در این راه، آن که پیروز است، ملت ایران است و او است که به دشمنان خود سیلی خواهد زد. راه نظام جمهوری اسلامی، راه خدا است؛ هدفها، هدفهای الهی است؛ تکیه‌گاه، اراده‌ی الهی است؛ و اینچنین راهی هیچ وقت به بن‌بست منتهی نخواهد شد. این را همه باید بدانند و مطمئن باشند که به توفیق الهی و به اذن الله بن‌بستى در راه ما وجود نخواهد داشت.

محل انس با قرآن

۱۳۹۲/۰۴/۱۹

اول ماه مبارک رمضان ۱۴۳۴



مقدمه

خیلی متشکریم از برادران عزیز؛ قراء و تالیان و ذاکران عزیزی که امروز این جلسه‌ی ما را معطر و نورانی کردند با کلمات شریفه‌ی قرآن و آیات و ذکر الهی و یاد و مدح پیغمبر و اهل بیت (علیهم‌السلام). خیلی جلسه‌ی خوبی بود امروز؛ از اول تا به آخر، بحمدالله جلسه، جذاب و مفید و پرمغز و هنرمندانه بود؛ بخصوص بعضی از بخشهای آن، که حقیقتاً برجسته بود.

۱. جامعه ما تا قبل از انقلاب، مأنوس با قرآن نبود؛ این از برکات انقلاب است که جوانهای ما در میدان تلاوت وارد شدند و پیشرفت کردند

خدای متعال را شاکریم که ما را با قرآن مأنوس کرد. جامعه‌ی

مسلمان ما تا قبل از سالهای پیروزی انقلاب، با اینکه علاقه‌مند به قرآن بود، عاشق قرآن بود، اما مأنوس با قرآن نبود. این هم از برکات انقلاب است که جوانهای ما، صاحبان صوت و ذوق و هنر تلاوت و استعداد و آمادگی برای فراگیری، بحمدالله در این میدان وارد شدند و پیشرفت کردند.

۱,۱. تلاوت و انس با قرآن مقدمه‌ای برای فهم آن و تخلق به اخلاق قرآن است؛ مسئله‌ی بالاتر از پاسداشت ظاهری قرآن، سبک زندگی قرآنی است

ولی اینها مقدمه است؛ مقدمه‌ی برای فهم قرآن و تخلق به اخلاق قرآن. یک مسئله، مسئله‌ی احترام ظاهری و پاسداشتن از حرمت قرآن است به معنای الفاظ قرآن، اصوات قرآنی؛ این در جای خود چیز محترم و مهمی است. مسئله‌ی بالاتر، تخلق به اخلاق قرآنی است؛ سبک زندگی را منطبق با قرآن قرار دادن.

۱,۲. یکی از عیوب جامعه ما در طول زمان این بوده که گاهی زندگی خود را متأثر از فرهنگ بیگانگان میکردیم؛ به بهانه اینکه دنیای امروز این گونه است



یکی از عیوب ما و جوامع ما در طول زمان این بوده است که گاهی فرهنگ خود را متأثر میکردیم از فرهنگ بیگانگان. کسانی این را در میان جامعه‌ی ما و کشور ما بعمد ترویج کردند؛ ما را سوق دادند به سمت زندگی کسانی که دل و جان‌شان خالی بود از نور معنویت؛ در سبک زندگی، در کیفیت پوشش، در کیفیت راه رفتن، در کیفیت معاشرتها و ارتباطات اجتماعی. اگر هم کسی به آنها اعتراض کرد، گفتند که دنیا امروز اینجوری است.

۱,۲,۱. امت مؤمن باید معیار را از قرآن بگیرد؛ قرآن به ما می‌آموزد باید از طریق هدایت و راه کسانی که به نعمت الهی واصل شدند، پیروی کرد

در حالی که قرآن به ما می‌آموزد: «و ان تطع اکثر من فی الأرض یضلّوک عن سبیل الله ان یتبعون الا الظنّ و ان هم الا یخرون» (۱) آنچه که انسان جا دارد آن را فرا بگیرد و اگر لازم بود، از آن تقلید کند، عبارت است از طریق هدایت؛ «صراط الذین انعمت علیهم»؛ (۲) از خدای متعال می‌خواهیم که ما را هدایت کند به راه کسانی که به نعمت الهی واصل و نائل شده‌اند؛ این است که باید از آن تبعیت و پیروی کرد. اما اینکه حالا اکثریت مردم دنیا اینجور حرف می‌زنند، اینجور حرکت میکنند، اینجور رفتار میکنند، ما باید عقل خودمان را، دین خودمان را، هدایت الهی را معیار قرار دهیم برای رد و قبول. امت مؤمن و مسلم آن امت و ملتی است که معیار را از قرآن می‌گیرد، از هدایت الهی می‌گیرد؛ این میشود معیار.

۱,۲,۲. تبعیت از آموزه های بندگان برگزیده خدا و داوری عقل سلیم، دیگر معیارهای قرآنی است؛ تقلید از مردم کشورهای غربی و مادی خطاست

یکی از چیزهایی که قرآن و هدایت الهی به ما تعلیم داده است، تبعیت از داوری خرد و عقل انسانی است؛ این هم قرآنی است. یعنی پیروی از آنچه که عقل سلیم به آن حکم کند و قضاوت عقل پشت سر آن باشد، این هم یک امر قرآنی است، این هم امر دینی است؛ اینها شد معیار. آنچه که بندگان برگزیده‌ی خدا، معصومین عندالله به ما یاد دادند، این میشود معیار؛ معیار اینها است. اینکه حالا مردم کشورهای غربی، مردم مادی، مردم فلان بخش از دنیا، در رفتارشان، در اعمالشان، در مسائل زندگی‌شان، در ارتباطاتشان، در تشکیل خانواده، اینجور عمل میکنند، ما هم باید اینجور عمل کنیم، این خطا است.

۲. جامعه را باید بر اساس ثقلین یعنی هدایت قرآن و کلمات اهل بیت شکل داد؛ جلسات تلاوت قرآن مقدمه ای برای استفاده از آن در جامعه است

هدایت قرآن را باید در زندگی خود حاکم کرد. ما بحمدالله هم قرآن را داریم، هم کلمات اهل بیت (علیهم‌السلام) را داریم؛ که «اَنّی تارک فیکم الثَّقَلَین» یا «اَنّی تارک فیکم الثَّقَلَین»؛ (۳) دو چیز گرانبها را در بین شما گذاشتم. هر دو بحمدالله در اختیار ما است؛ باید از اینها استفاده کنیم، جامعه را بر اساس اینها شکل دهیم. این جلسه‌ی قرآن، این آموزش قرآن، این تجوید قرآن، این حُسن تلاوت قرآن با نغمه‌های خوب، با صدای خوب، همه مقدمه برای این است. این را به چشم ذی‌المقدمه نگاه نکنیم، این مقدمه است؛ از اینجا باید وارد شد و با قرآن انس گرفت.

۳. امروز جامعه ما با قرآن مأنوس شده‌اند؛ البته ما به این قانع نیستیم و معتقدیم آحاد جامعه باید بتوانند قرآن را بخوانند، بفهمند و در آن تدبیر کنند

بحمدالله امروز جامعه‌ی ما با قرآن مأنوس شده‌اند. البته ما به این قانع نیستیم؛ ما معتقدیم همه‌ی آحاد جامعه باید با قرآن ارتباط برقرار کنند، بتوانند قرآن را بخوانند، بتوانند قرآن را بفهمند، بتوانند در قرآن تدبیر کنند. آنچه که ما را به حقایق نورانی میرساند، تدبیر در قرآن است؛ و این حفظ قرآن که بحمدالله امروز در بین شما جوانها، در بین جوانهای کشور، در سرتاسر کشور رواج پیدا کرده است، یک مقدمه‌ی خوبی است برای تدبیر. یعنی حفظ و تکرار و انس با آیات کریمه‌ی قرآن و پی‌درپی آیات الهی را مورد توجه قرار دادن، موجب میشود که انسان بتواند در قرآن تدبیر کند.

موخره

امیدواریم خداوند متعال جامعه‌ی قرآنی کشور را روزبه‌روز پیشرفته‌تر کند، موفق‌تر کند و به اساتید عزیز قرآن ان‌شاءالله توفیق دهد که بتوانند جوانان بیشتری را تربیت کنند؛ و کشور ما و ملت ما را با قرآن زنده بدارد. پروردگارا! حیات ما را حیات قرآنی قرار بده؛ مرگ ما را مرگ در راه قرآن قرار بده؛ ما را در قیامت با قرآن محشور کن. پروردگارا! لطف و فضل خودت را بر کشور ما، بر ملت ما، بر همه‌ی کشورهای مسلمان و بر امتهای اسلامی نازل بفرما.

والسّلام علیکم و رحمۀ‌الله و برکاته

پاورقی

(۱) انعام: ۱۱۶

(۲) حمد: ۷

(۳) بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۲۶



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	سبک زندگی قرآنی مهم تر از پاسداشت ظاهری قرآن	مردم	یک مسئله، مسئله‌ی احترام ظاهری و پاسداشتن از حرمت قرآن است به معنای الفاظ قرآن، اصوات قرآنی؛ این در جای خود چیز محترم و مهمی است. مسئله‌ی بالاتر، تخلق به اخلاق قرآنی است؛ سبک زندگی را منطبق با قرآن قرار دادن.
۲	لزوم پیروی از طریق هدایت و راهِ واصل شدگان به نعمت الهی	مردم	قرآن به ما می‌آموزد: «و ان تطع اکثر من فی الأرض یضلّوک عن سبیل الله ان یتبعون الا الظنّ و ان هم الا یخرضون» (۱) آنچه که انسان جا دارد آن را فرا بگیرد و اگر لازم بود، از آن تقلید کند، عبارت است از طریق هدایت؛ «صراط الذین انعمت علیهم»؛ (۲) از خدای متعال می‌خواهیم که ما را هدایت کند به راه کسانی که به نعمت الهی واصل و نائل شده‌اند؛ این است که باید از آن تبعیت و پیروی کرد.



۳

معیار بودن قرآن، عقل، دین و هدایت الهی در سبک زندگی اسلامی

مومنان و امت اسلامی

اینکه حالا اکثریت مردم دنیا اینجور حرف می‌زنند، اینجور حرکت میکنند، اینجور رفتار میکنند، ما باید عقل خودمان را، دین خودمان را، هدایت الهی را معیار قرار دهیم برای رد و قبول. امت مؤمن و مسلم آن امت و ملتی است که معیار را از قرآن می‌گیرد، از هدایت الهی می‌گیرد؛ این میشود معیار. یکی از چیزهایی که قرآن و هدایت الهی به ما تعلیم داده است، تبعیت از داوری خرد و عقل انسانی است؛ این هم قرآنی است. یعنی پیروی از آنچه که عقل سلیم به آن حکم کند و قضاوت عقل پشت سر آن باشد، این هم یک امر قرآنی است، این هم امر دینی است؛ اینها شد معیار. آنچه که بندگان برگزیده‌ی خدا، معصومین عندالله به ما یاد دادند، این میشود معیار؛ معیار اینها است.

۴

معیار قرار ندادن سبک زندگی مردم کشورهای غربی و مادی

مومنان و امت اسلامی

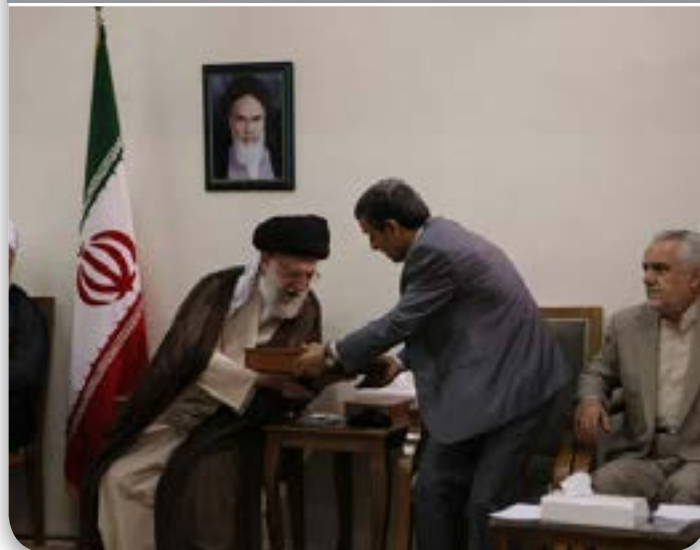
یکی از عیوب ما و جوامع ما در طول زمان این بوده است که گاهی فرهنگ خود را متأثر میکردیم از فرهنگ بیگانگان. کسانی این را در میان جامعه‌ی ما و کشور ما بعمد ترویج کردند؛ ما را سوق دادند به سمت زندگی کسانی که دل و جان‌شان خالی بود از نور معنویت؛ در سبک زندگی، در کیفیت پوشش، در کیفیت راه رفتن، در کیفیت معاشرت‌ها و ارتباطات اجتماعی. اگر هم کسی به آنها اعتراض کرد، گفتند که دنیا امروز اینجوری است...اینکه حالا مردم کشورهای غربی، مردم مادی، مردم فلان بخش از دنیا، در رفتارشان، در اعمالشان، در مسائل زندگی‌شان، در ارتباطاتشان، در تشکیل خانواده، اینجور عمل میکنند، ما هم باید اینجور عمل کنیم، این خطا است.



۵	شکل دادن جامعه بر اساس هدایت های قرآن و اهل بیت علیهم السلام (ثقلین)	مردم	هدایت قرآن را باید در زندگی خود حاکم کرد. ما بحمدالله هم قرآن را داریم، هم کلمات اهل بیت (علیهم السلام) را داریم؛ که «انّی تارک فیکم الثَّقَلَین» یا «انّی تارک فیکم الثَّقَلَین»؛ (۳) دو چیز گرانبها را در بین شما گذاشتم. هر دو بحمدالله در اختیار ما است؛ باید از اینها استفاده کنیم، جامعه را بر اساس اینها شکل دهیم.
۶	جلسات انس با قرآن، مقدمه ای برای استفاده از هدایت های قرآن در جامعه	مردم	این جلسه قرآن، این آموزش قرآن، این تجوید قرآن، این حُسن تلاوت قرآن با نغمه های خوب، با صدای خوب، همه مقدمه برای این است. این را به چشم ذی المقدمه نگاه نکنیم، این مقدمه [ای برای تخلق به قرآن و استفاده از آن در زندگی اجتماعی] است؛ از اینجا باید وارد شد و با قرآن انس گرفت.
۷	ضرورت برقراری ارتباط آحاد جامعه با قرآن و تدبیر در آن	مسئولان و مردم	همه ی آحاد جامعه باید با قرآن ارتباط برقرار کنند، بتوانند قرآن را بخوانند، بتوانند قرآن را بفهمند، بتوانند در قرآن تدبیر کنند
۸	حفظ و تکرار و انس با قرآن مقدمه خوبی برای تدبیر در آیات الهی	جوانان و مردم	آنچه که ما را به حقایق نورانی میرساند، تدبیر در قرآن است؛ و این حفظ قرآن که بحمدالله امروز در بین شما جوانها، در بین جوانهای کشور، در سرتاسر کشور رواج پیدا کرده است، یک مقدمه ی خوبی است برای تدبیر. یعنی حفظ و تکرار و انس با آیات کریمه ی قرآن و پی در پی آیات الهی را مورد توجه قرار دادن، موجب میشود که انسان بتواند در قرآن تدبیر کند.

آخرین دیدار رئیس جمهور و هیئت دولت دهم

۱۳۹۲/۰۴/۲۳



مقدمه

خیلی جلسه ی خوبی بود این جلسه ی امروز؛ دوستان و مسئولان محترم، بخشی از تلاشهای خودشان را با زبان آمار و ارقام و شیوه های کاری بیان کردند. خب، این جلسه ی ماه رمضان که ما هر سال با مسئولان دولتی و اعضای هیئت وزیران و رئیس جمهور محترم و معاونینشان داریم، معمول ما در این جلسه، گزارش گرفتن نیست؛ یک نصیحتی، جمله ای از نهج البلاغه را ما معمولاً در این جلسه برای دوستان ذکر می کردیم و متبرک می شدیم به کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام).

الف) امتیازات و کارهای بزرگ این دولت و توصیه هایی برای آینده فعالیت مسئولان دولت کنونی

۱. دوست داریم گزارش کارهای این دولت که امروز در اینجا بیان شد، به سمع عموم مردم و خواص و اهل فن برسد امسال و امروز من اصرار داشتم - خودم به آقای رئیس جمهور پیشنهاد کردم - که دوستان صحبت کنند و گزارش دهند؛ چون روزهای آخر این دولت و ایام مناسبی است برای اینکه از مجموعه ی کارهایی که در این دولت شده - البته به عنوان یک نمائی، یک نمونه ای - گزارشی ارائه شود. و ما دوست داریم که این اظهاراتی که امروز اینجا شد، به سمع مردم عزیزمان هم برسد؛ هم خواص و کسانی که اهل فنند و آشنا هستند، مطلع شوند - چون بسیاری از این مطالبی که گفته میشود، دوستان اینها را نمیدانند؛ می بینیم گاهی اوقات اطلاعات کافی و وافی ندارند - هم عموم مردم مطلع شوند و بدانند؛ اگرچه برخی از کارها جلوی چشم است.

۱,۱. البته بعضی ها ممکن است نگاه خوشبینانه یا دوستانه یا منصفانه ای به کارهای این دولت نداشته باشند؛ اما اینها باید در فضای عمومی گفته و ثبت شود

البته مخالفین و کسانی که بی اطلاعند - بعضی از دستگاه های رسانه ای خارجی مغرض، و گاهی بعضی در داخل - برخی از چیزهایی را که جلوی چشم هم هست، انکار میکنند. یعنی کاری انجام گرفته، جلوی چشم است، همه می بینند، منعکس شده، این را دوست دارند انکار کنند. کاری به این نداریم که حالا بعضی ها ممکن است نگاه خوشبینانه ای یا دوستانه ای یا منصفانه ای نداشته باشند؛ بالاخره در فضای عمومی کشور باید اینها گفته شود و ثبت شود؛ اینها بسیار مهم است.

۲. حجم کار بسیار بالا و پرتلاش، تلاش خستگی‌ناپذیر و اعراض از آسایشها و آسودگی‌ها، امتیاز بزرگی است که این دولت بحمدالله از آن برخوردار بود

آنچه که من امروز باید به دوستان عرض کنم، در درجه‌ی اول خداقوتی است؛ ان‌شاءالله که خسته نباشید. هشت سال کار کردید، تلاش کردید، کارهای خوبی انجام گرفت، تحمل زحمات کار شبانه‌روزی را شماها نشان دادید؛ یعنی دیده شد، احساس شد، همه فهمیدند که رئیس‌جمهور محترم و همکارانشان در دولت حجم کارشان بسیار بالا و پرشتاب نسبت به همه‌ی دوره‌های دیگر بود و هست؛ این نقطه‌ی برجسته‌ای است که نباید این را نادیده گرفت. همه‌ی کسانی که می‌خواهند درباره‌ی دولتها، درباره‌ی کابینه‌ها، درباره‌ی رؤسای جمهور قضاوت کنند - چه پیش خودشان، چه در منظر عموم - و نظری بدهند، خوب است به این نکته هم توجه کنند: حجم کار بالا و تلاش خستگی‌ناپذیر و اعراض از آسایشها و آسودگی‌ها و امتیازاتی که معمولاً مسئولان کشورها در دنیا دارند؛ استراحت میکنند، تفریح می‌روند، امتیاز می‌گیرند؛ اینها را نخواستن، ندیدن، طلب نکردن، امتیاز بزرگی است که این دولت بحمدالله از این امتیاز برخوردار بود.

۳. این دولت بحمدالله توانست شعارهای انقلاب را سر دست بگیرد، به آنها افتخار کند و آنها را در جامعه مطرح کند

یک نکته‌ی دیگر هم که در مورد این دولت در طول این هشت سال مورد نظرم بود و بارها هم به آن اشاره کردم، این است که این دولت بحمدالله توانست شعارهای انقلاب را سر دست بگیرد و به آنها افتخار کند و آنها را در جامعه مطرح کند. یکی از کارهای مهمی که جبهه‌ی ضدانقلاب - چه انقلاب ما، و چه انقلابهای دیگر - در طول تاریخ و در عرض دنیا داشتند و میکردند، این بوده است که سعی کنند ارزشهای انقلاب را کمرنگ کنند. به اینجا هم محدود نمیشود؛ اول ارزشها را کمرنگ میکنند، بتدریج آنها را محو میکنند؛ اگر میدان پیدا کنند، آنها را تبدیل به ضدارزش میکنند؛ این کاری است که در دنیا معمول است؛ این را ما در تاریخ انقلابهای دنیا مشاهده میکنیم؛ و در انقلابهایی هم که زمان خود ما - در طول این عمر طولانی‌ای که ما کردیم - دیدیم و خبر شدیم، این را مشاهده کردیم.

۳.۱. ضدانقلاب، شعارهای انقلاب را هرگز فراموش نخواهد کرد و سعی میکند این شعارها را بتدریج محو و کمرنگ کند

جبهه‌ی مقابل انقلاب و ضدانقلاب، شعارهای انقلاب را هرگز فراموش نخواهد کرد؛ یعنی میدانند که در این رویارویی، در این هم‌آوردی، آن چیزی که توانست جبهه‌ی انقلاب را پیروز کند و جبهه‌ی ضدانقلاب را به هزیمت وادار کند، در درجه‌ی اول این شعارها بود؛ که هرچه شعارها پرمغز و جذاب و واقعی و برای مردم مفهوم و ملموس بود، کمک آن به پیشرفت انقلاب بیشتر شد. سعی میکنند این شعارها را بتدریج محو کنند، کمرنگ کنند.

۳.۱.۱. دشمن نتوانست شعارهای انقلاب را محو کند؛ چون ارزش‌هایی که امام باقی گذاشت، هنوز زنده بوده و جزو حکماتی است که قابل تحریف نیست

در مورد کشور و انقلاب ما هم این کار را دشمن شروع کرد؛ البته موفق نشدند؛ خدا را شکر میکنیم. دشمن نتوانست شعارهای انقلاب را کمرنگ و سپس محو کند. به نظر من یک بخش عمده‌ای از این هم مربوط میشود به هوشیاری امام بزرگوارمان. آنچه که امام بزرگوار از اظهارات خود، از گفته‌های خود، از نوشته‌های خود در میان ما باقی گذاشت، بینات است، محکّمات است؛ متشابهات نیست

که کسی آنها را نفهمد. آخرین سخن امام هم وصیتنامه‌ی امام است. من همیشه به مسئولین و کسانی که در دولتهای گوناگون یک کار مهمی دستشان بوده است، توصیه میکردم که به وصیتنامه‌ی امام مراجعه کنند. وصیتنامه‌ی امام، لبّ ارزشهای مورد نظر امام است؛ اینها را امام باقی گذاشته، زنده گذاشته است. لذاست که این ارزشها قابل تحریف نیست، قابل تغییر نیست. بله، ندیده گرفتن اینها امری است که میسر است برای کسانی که بخواهند ندیده بگیرند.

۳.۲. این دولت این شعارها را سر دست گرفت و در مجامع جهانی، از انگیزه‌ها، اهداف و شیوه‌های انقلابی احساس شرم نکرد؛ این خیلی کار بزرگی بود

این دولت این شعارها را مطرح کرد، برجسته کرد، سر دست گرفت، به آنها افتخار کرد؛ در مجامع جهانی، احساس شرم از انگیزه‌های انقلابی و از اهداف انقلابی و از شیوه‌های انقلابی نکرد؛ این خیلی کار بزرگی بود.

۴. آنچه برای خدا کردید، خدای متعال آنها را در نامه‌ی عمل شما ثبت کرده و بلاشک به درد شما خواهد خورد

آنچه که برای خدا کردید، خدای متعال آنها را در نامه‌ی عمل شما ثبت کرده و کرام‌الکاتبین آنها را نگه داشته‌اند و بلاشک به درد شما خواهد خورد. آنچه را که شما عمل کردید، چه حالا بنده و امثال بنده ببینیم، بدانیم و تشکر کنیم، چه نبینیم، ندانیم و تشکر نکنیم، «انّ الله شاکر علیم» (۱) خدا، هم میداند - علیم است - هم سپاسگزار است. امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال به شماها توفیق دهد.

۵. رشته خدمت را رها نکنید؛ چه در دولتهای آینده باشید، چه نباشید مسئولیتی را که برعهده می‌گیرید با رویکرد هدفهای انقلاب انجام دهید

کاری که باید بر آن همت بگذارید، این است که رشته‌ی خدمت را رها نکنید. همه‌ی تلاشها منحصر نیست در فلان وزارتخانه یا فلان مسئولیت در دولت؛ نه، صحنه‌ی کشور صحنه‌ی تلاش است، صحنه‌ی کار است، صحنه‌ی فعالیت است؛ و این کار، دو جور میتواند انجام بگیرد: متوجه اهداف انقلابی، و غیرمتوجه به اهداف انقلابی. شما چه در دولت آینده و در دولتهای آینده حضور داشته باشید، چه نداشته باشید، کاری که انجام میدهید و مسئولیتی که برعهده میگیرید - که طبعاً امثال شماها، مدیران شایسته و کارآمد، در هر بخشی از بخشها خالی از مسئولیت نمی‌مانند - سعی کنید آن را با توجه به اهداف انقلاب و با رویکرد هدفهای انقلاب ان‌شاءالله انجام دهید. خدای متعال شماها را مأجور خواهد داشت، ما هم در حد خودمان و به قدر خودمان تشکر میکنیم.

ب) توصیه‌هایی از نهج البلاغه برای عبور مطلوب از گذرگاه دنیا

۱. من طبق معمول همیشه‌مان یک جمله از نهج‌البلاغه برای شما می‌خوانم که جزو وصایای امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) است

من طبق معمول همیشه‌مان - دیگر حالا مجال هم نیست، وقت هم نیست - یک جمله از نهج‌البلاغه برای شما بخوانم: «و اعلم انّ امامک طریقاً ذا مسافهٌ بعیده و مشقّةٌ شدیدة» (۲) این جزو وصایای امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) است.



در واقع باید گفت وصیت، صمیمانه‌ترین حرفی است که هر کسی میزند؛ چون وقتی است که دیگر انسان در عالم ماده حضور ندارد و اغراض مادی قاعدتاً یا نیستند یا بالاخره ضعیفند؛ لذا در وصیتنامه صمیمی‌ترین حرفها گفته می‌شود؛ آن هم وقتی که مخاطب وصیت، عزیزترین افراد نسبت به انسان است؛ فرزند انسان، آن هم فرزندی مثل امام حسن، فرزند بزرگ امیرالمؤمنین - که بلاشک احبّ افراد در دل آن بزرگوار و چشم آن بزرگوار است - مخاطب این وصیت است. البته امیرالمؤمنین فرموده‌اند که این وصیت مخصوص شما نیست، مال همه است؛ لیکن مخاطب اصلی، امام حسن است. بنابراین، این لبّ لباب کلمات و معارف و ذهنیات امیرالمؤمنین است. البته بیانات امیرالمؤمنین، هر کلمه‌اش، هر جمله‌اش حکمت است؛ مخصوص این وصیتنامه نیست. اعماق و ژرفای کلمات امیرالمؤمنین را واقعاً ماها نمی‌فهمیم؛ امثال ماها قادر نیستیم به آن ژرفا برسیم؛ یک چیزی را استفاده میکنیم. کسانی را ما دیدیم که هرچه حکمتشان برتر، اندیشه‌شان والاتر و عمق فکری‌شان بیشتر بود، بیشتر توانستند نکاتی را از این کلمات دریابند. نهج‌البلاغه یک چنین چیزی است. حالا این در نهج‌البلاغه، وصیت امیرالمؤمنین است.

۲. می‌فرماید: پیش روی تو راهی وجود دارد که مسافت خیلی طولانی و مشقت شدیدی در آن هست؛ در چنین راهی، تو باید با منتهای طلب حرکت کنی

می‌فرماید: بدان که پیش روی تو راهی وجود دارد که مسافت خیلی طولانی و مشقت شدیدی در آن هست. این راهی که پیش روی شما است - راه رسیدن به جزای عمل و رسیدن به قیامت - راه طولانی‌ای است. «و أنّه لا غنى لك فيه عن حسن الارتیاد»؛ (۳) در یک چنین راهی، تو باید با منتهای طلب حرکت کنی - «ارتیاد» یعنی خواست، طلب، تلاش همراه با اراده و نیت - چاره‌ای نداری جز اینکه کار را جدی دنبال کنی. یعنی این راهی نیست که انسان بتواند آن را سرسری بگیرد. بله، غفلت داریم، کار را سرسری میگیریم؛ اما این سرسری گرفتن کار، از روی غفلت است. بدانیم که حقیقت قضیه چیست، و کجا داریم میرویم، و سرنوشت ابدی ما در کجا تحقق پیدا میکند و عینی میشود؛ این را اگر توجه کنیم، جدی خواهیم گرفت. لذا شما در دعای شریف کمیل - که باز از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است - ملاحظه میکنید: «و هب لی الجّد فی خشیتک»؛ (۴) دعا میکند، از خدای متعال میخواهد که خشیت ما در مقابل پروردگار، یک خشیت جدی باشد؛ از ظاهر قلب و همین احساسات زودگذر و ناشی از عوارض زندگی نباشد؛ به معنای واقعی کلمه، انسان در مقابل پروردگار احساس خشیت کند.

۳. حضرت امیر برای اینکه پایان راه برای ما مطلوب باشد، دو توصیه می‌کنند:

۳.۱. اول اینکه «مقدار توشه ای را که تو را به منزل می‌رساند، اندازه گیری کن»

«قدّر بلاغک من الزّاد مع خفّة الظّهر»؛ (۵) حالا شما ناچارید از این راه سخت و طولانی که راه قیامت است، عبور کنید؛ شما به سمت قیامت از وسط دنیا دارید می‌گذرید، ناچارید از این گذرگاه ماده عبور کنید با همه‌ی لوازم این ماده، با همه‌ی خصوصیات که انسان در این محیط مادی و در فضای مادی به طور طبیعی دارد؛ بنابراین کاری که باید بکنید برای اینکه آن نهایت برای شما آسان شود و مطلوب باشد، این است: «قدّر بلاغک من الزّاد»؛ آن مقداری از توشه را که تو را به منزل برساند، تقدیر کن - یعنی اندازه‌گیری کن - بدان

چقدر کار لازم داری برای اینکه بروی. این بخش اول است.

۳.۱.۱. حضرت در پاسخ به اینکه چه چیزی برای عبور از این گذرگاه نیاز داریم می‌فرمایند: اجتناب از محرّمات و انجام واجبات

بخش دوم: «مع خفّة الظّهر»؛ بار دوش خودت را هم سبک کن. این دو تا هدایت و راهنمایی است که امیرالمؤمنین میکند. اولاً بدان چه لازم داری برای عبور از این راه. در پاسخ اینکه ما چه لازم داریم، خودشان بیان کردند: اجتناب از محرّمات و انجام واجبات. یعنی آن اندازه‌ی لازم، و به قول پزشکان، آن دوز لازم از ذخیره‌ای که شما لازم دارید برای اینکه بتوانید این راه را طی کنید، همین واجبات است؛ این واجبات را که انجام دهید، آن مقدار لازم از ذخیره را دارید. هرچه بیشتر کردید و بر این واجبات افزودید، امکانات بیشتری خواهید داشت، استفاده‌ی بیشتر و بهره‌ی بیشتری خواهید برد. لیکن مقدار فرائضی که بر ما واجب است، آن حداقل نیازی است که ما برای عبور در این راه داریم. محرّمات هم همین جور است. یعنی اجتناب از محرّمات، حداقل آن پرهیز از آسیبهایی است که در این راه ممکن است برای ما پیش بیاید. بنابراین اگر از محرّمات اجتناب کردیم و واجبات را انجام دادیم، این همان پرواز مورد نظر را برای من و شما ممکن و فراهم میکند؛ چیز بیشتری لازم نیست.

۳.۱.۲. بعضیها دنبال برخی از خصوصیاتند: مثلاً از کسی ذکری گرفته یا ریاضتی فرا بگیرند؛ در صورتی که ریاضت شرعی مشخص است و اینها لازم نیست

بعضی‌ها دنبال برخی از خصوصیاتند؛ کسی را پیدا کنند، از او ذکری بگیرند، از او ریاضتی فرا بگیرند. اینها لازم نیست؛ ریاضت شرعی، مشخص است. اگر همین نمازها را بخوانیم، درست بخوانیم، بوقت بخوانیم، ارکانش را درست به‌جا بیاوریم، با توجه بخوانیم، یا روزه را درست بگیریم - همین واجبات و فرائضی که در اختیار ما است - همینها انسان را پرواز میدهد.

۳.۱.۳. اگر چنانچه همین مقدار واجبات را انجام دهیم، خود این زمینه‌ای برای جذب انوار الهی به میزان زیاد خواهد شد

و من به شما عرض بکنم؛ ما اگر چنانچه همین مقدار را انجام دهیم، خود این زمینه‌ای خواهد شد برای جذب انوار الهی به میزان زیاد. یعنی این حداقلی که برای ما لازم است، هنرش فقط این نیست که ما را قادر خواهد کرد بر این که این راه را طی کنیم؛ بلکه هنر دیگرش این است که زمینه‌ی ما را برای جذب بیشتر نور الهی و تفضل الهی فراهم خواهد کرد. وقتی انسان نماز فریضه را خوب بخواند، به طور طبیعی میل به نوافل پیدا خواهد کرد. وقتی انسان از دروغ، از غیبت، از قول به غیر علم، از تهمت، از افساد، از مال مردم خوری، از خیانت در امانت پرهیز کند، خود این، دل انسان را آماده‌ی تلقی هدایت الهی و معرفت الهی خواهد کرد؛ ما را پیش خواهد برد. این توصیه‌ی اول.

۳.۲. توصیه دوم اینکه «بار دوش خودت را سبک کن»؛ ما مسئولین بارهای سنگینی بر دوش داریم که اگر خوب انجام بگیرد، فضیلت بسیاری خواهد داشت

توصیه‌ی دوم هم اینکه فرمودند: «مع خفّة الظّهر»؛ بار دوش خودت را سبک کن. ماها که بارهای سنگینی را بر دوش گرفتیم، امیدواریم



مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	ثبت در فضای عمومی و اطلاع رسانی از گزارش اعضای هیئت دولت دهم در محضر رهبری معظم انقلاب	مسئولان دولت دهم	امسال و امروز من اصرار داشتم - خودم به آقای رئیس جمهور پیشنهاد کردم - که دوستان صحبت کنند و گزارش دهند؛ چون روزهای آخر این دولت و ایام مناسبی است برای اینکه از مجموعه‌ی کارهایی که در این دولت شده - البته به‌عنوان یک نمائی، یک نمونه‌ای - گزارشی ارائه شود. و ما دوست داریم که این اظهاراتی که امروز اینجا شد، به سمع مردم عزیزمان هم برسد؛ هم خواص و کسانی که اهل فنّند و آشنا هستند، مطلع شوند - چون بسیاری از این مطالبی که گفته میشود، دوستان اینها را نمیدانند؛ می‌بینیم گاهی اوقات اطلاعات کافی و وافی ندارند - هم عموم مردم مطلع شوند و بدانند؛ اگرچه برخی از کارها جلوی چشم است... کاری به این نداریم که حالا بعضی‌ها ممکن است نگاه خوشبینانه‌ای یا دوستانه‌ای یا منصفانه‌ای نداشته باشند؛ بالاخره در فضای عمومی کشور باید اینها گفته شود و ثبت شود؛ اینها بسیار مهم است.
۲	لزوم مراجعه به وصیت نامه امام خمینی	مسئولین دولت ها	آخرین سخن امام هم وصیتنامه‌ی امام است. من همیشه به مسئولین و کسانی که در دولتهای گوناگون یک کار مهمی دستشان بوده است، توصیه میکردم که به وصیتنامه‌ی امام مراجعه کنند. وصیتنامه‌ی امام، لبّ ارزشهای مورد نظر امام است؛ اینها را امام باقی گذاشته، زنده گذاشته است. لذاست که این ارزشها قابل تحریف نیست، قابل تغییر نیست. بله، ندیده گرفتن اینها امری است که میسر است برای کسانی که بخواهند ندیده بگیرند.

ان شاء الله خدای متعال توفیق دهد که بتوانیم این بارها را حمل کنیم. اگر شماها ان شاء الله بتوانید این بارها را حمل کنید و سلامت به منزل برسانید، اجر فراوانی هم خواهد داشت. یعنی این مسئولیتهای سنگین همچنان که دغدغه‌ی فراوانی برای خود انسان ایجاد میکند، اما از آن طرف هم اگر خوب انجام بگیرد، فضیلت بسیاری خواهد داشت.

موخره

امیدواریم ان شاء الله خدای متعال همه‌ی شماها را موفق و مؤید بدارد و همیشه در خدمت اسلام و در خدمت انقلاب قرار داشته باشید. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

پاورقی

- (۱) بقره: ۱۵۸.
- (۲) نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱.
- (۳) همان.
- (۴) مفاتیح الجنان، دعای کمیل.
- (۵) نهج البلاغه، نامه‌ی ۳.



۳	رها نکردن رشته خدمت به نظام با رویکرد هدف های انقلاب	مسئولان دولت دهم	کاری که باید بر آن همت بگمارد، این است که رشته‌ی خدمت را رها نکنید. همه‌ی تلاشها منحصر نیست در فلان وزارتخانه یا فلان مسئولیت در دولت؛ نه، صحنه‌ی کشور صحنه‌ی تلاش است، صحنه‌ی کار است، صحنه‌ی فعالیت است؛ و این کار، دو جور میتواند انجام بگیرد: متوجه اهداف انقلابی، و غیرمتوجه به اهداف انقلابی. شما چه در دولت آینده و در دولتهای آینده حضور داشته باشید، چه نداشته باشید، کاری که انجام میدهید و مسئولیتی که برعهده میگیرید - که طبعاً امثال شماها، مدیران شایسته و کارآمد، در هر بخشی از بخشها خالی از مسئولیت نمی مانند - سعی کنید آن را با توجه به اهداف انقلاب و با رویکرد هدفهای انقلاب ان شاءالله انجام دهید. خدای متعال شماها را مأجور خواهد داشت، ما هم در حد خودمان و به قدر خودمان تشکر میکنیم.
۴	جدی و با منتهای طلب دنبال کردن مسافت خیلی طولانی و پرمشقت رسیدن به قیامت	مسئولان دولت و مردم	یک جمله از نهج البلاغه برای شما بخوانم: «و اعلم انّ امامک طریقاً ذا مسافتة بعيدة و مشقة شديدة». این جزو وصایای امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی (علیه السلام) است... می فرماید: بدان که پیش روی تو راهی وجود دارد که مسافت خیلی طولانی و مشقت شدیدی در آن هست. این راهی که پیش روی شما است - راه رسیدن به جزای عمل و رسیدن به قیامت - راه طولانی‌ای است. «و انه لا غنى لك فيه عن حسن الارتیاد»؛ (۳) در یک چنین راهی، تو باید با منتهای طلب حرکت کنی - «ارتیاد» یعنی خواست، طلب، تلاش همراه با اراده و نیت - چاره‌ای نداری جز اینکه کار را جدی دنبال کنی. یعنی این راهی نیست که انسان بتواند آن را سرسری بگیرد. بله، غفلت داریم، کار را سرسری میگیریم؛ اما این سرسری گرفتن کار، از روی غفلت است. بدانیم که حقیقت قضیه چیست، و کجا داریم میرویم، و سرنوشت ابدی ما در کجا تحقق پیدا میکند و عینی میشود؛ این را اگر توجه کنیم، جدی خواهیم گرفت.



۵	لزوم تقدیر و اندازه گیری مقدار توشه آخرت	مسئولان دولت و مردم	«قدّر بلاغک من الزّاد مع خفّة الظّهر»؛ (۵) حالا شما ناچارید از این راه سخت و طولانی که راه قیامت است، عبور کنید؛ شما به سمت قیامت از وسط دنیا دارید میگذرید، ناچارید از این گذرگاه ماده عبور کنید با همه‌ی لوازم این ماده، با همه‌ی خصوصیات که انسان در این محیط مادی و در فضای مادی به طور طبیعی دارد؛ بنابراین کاری که باید بکنید برای اینکه آن نهایت برای شما آسان شود و مطلوب باشد، این است: «قدّر بلاغک من الزّاد»؛ آن مقداری از توشه را که تو را به منزل برساند، تقدیر کن - یعنی اندازه‌گیری کن - بدان چقدر کار لازم داری برای اینکه بروی. این بخش اول است.
۶	انجام واجبات و اجتناب از محرمات، تنها ذخیره عبور از گذرگاه دنیا به سوی قیامت	مسئولان دولت و مردم	بدان چه لازم داری برای عبور از این راه. در پاسخ اینکه ما چه لازم داریم، خودشان بیان کردند: اجتناب از محرمات و انجام واجبات. یعنی آن اندازه‌ی لازم، و به قول پزشکان، آن دوز لازم از ذخیره‌ای که شما لازم دارید برای اینکه بتوانید این راه را طی کنید، همین واجبات است؛ این واجبات را که انجام دهید، آن مقدار لازم از ذخیره را دارید. هرچه بیشتر کردید و بر این واجبات افزودید، امکانات بیشتری خواهید داشت، استفاده‌ی بیشتر و بهره‌ی بیشتری خواهید برد. لیکن مقدار فرائضی که بر ما واجب است، آن حداقل نیازی است که ما برای عبور در این راه داریم. محرمات هم همین جور است. یعنی اجتناب از محرمات، حداقل آن پرهیز از آسیبهایی است که در این راه ممکن است برای ما پیش بیاید. بنابراین اگر از محرمات اجتناب کردیم و واجبات را انجام دادیم، این همان پرواز مورد نظر را برای من و شما ممکن و فراهم میکند؛ چیز بیشتری لازم نیست.



۷	عدم نیاز به ذکر و ریاضت و کفایت انجام واجبات و ترک محرمات برای پرواز انسان به سمت قیامت	مسئولان دولت و مردم	بعضی‌ها دنبال برخی از خصوصیاتند؛ کسی را پیدا کنند، از او ذکری بگیرند، از او ریاضتی فرا بگیرند. اینها لازم نیست؛ ریاضت شرعی، مشخص است. اگر همین نمازها را بخوانیم، درست بخوانیم، بوقت بخوانیم، ارکانش را درست به‌جا بیاوریم، با توجه بخوانیم، یا روزه را درست بگیریم - همین واجبات و فرائضی که در اختیار ما است - همینها انسان را پرواز میدهد.
۸	سالم بر زمین گذاشتن بار مسئولیت سنگین خدمت به مردم	مسئولان دولت	توصیه‌ی دوم [حضرت امیر در وصیت نامه خود] هم اینکه فرمودند: «مع خَفَّةَ الظَّهْرِ»؛ بار دوش خودت را سبک کن. ماها که بارهای سنگینی را بر دوش گرفتیم، امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال توفیق دهد که بتوانیم این بارها را حمل کنیم. اگر شماها ان‌شاءالله بتوانید این بارها را حمل کنید و سلامت به منزل برسانید، اجر فراوانی هم خواهد داشت. یعنی این مسئولیتهای سنگین همچنان که دغدغهی فراوانی برای خود انسان ایجاد میکند، اما از آن طرف هم اگر خوب انجام بگیرد، فضیلت بسیاری خواهد داشت.

دیدار مسئولان نظام
۱۳۹۲/۰۴/۳۰



مقدمه

الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم المصطفی محمد و علی ءاله الأطیبین الأطهرین المنتجبین الهداء المهدیین سیّما بقیةالله فی الأرضین. خدای متعال را سپاسگزاریم که به ما عمر داد، فرصت داد، یک ماه رمضان دیگر را درک کنیم. از جمله‌ی برکات این ماه، این محفل گرم و صمیمی و عمومی است، که مسئولان کشور و کارگزاران عمده‌ی نظام در اینجا اجتماع پیدا میکنند؛ هم محفل دیدار و انس دوستان و مسئولان با یکدیگر است، هم محل شنیدن مطالبی که ان‌شاءالله شنیدن آنها و گفتن آنها، برای کشور، برای مردم و برای فضای عمومی جامعه مفید است.

از برادران و خواهران عزیز تشکر میکنیم که تشریف آوردید این جلسه را تشکیل دادید؛ از جناب آقای رئیس جمهور هم تشکر میکنیم به خاطر این گزارش مبسوط و مشروحی که بیان کردند. امیدواریم خداوند متعال به همه‌ی مسئولین، به همه‌ی شماها، به همه‌ی کسانی که در سرتاسر کشور در بخشهای مختلف به انجام خدمات اشتغال دارند، توفیق بدهد و اجر بدهد و ان‌شاءالله زحمات و خدمات شماها - هرجا که هستید - در میزان عدل الهی دیده شود و مورد پاداش الهی قرار بگیرد.

الف) سپاس از خداوند برای حماسه سیاسی، نکاتی در شناخت و استفاده بهتر از ماه رمضان، ضرورت برخورداری مسئولان از صبر و توکل

۱. بعد از هر نصرتی که خدا می دهد، باید سپاس بگوییم؛ حماسه سیاسی و حضور مردم در انتخابات، آخرین نصرت بزرگ الهی به ملت ایران بود

عرض عمده‌ی بنده در این جلسه این است که بعد از هر نصرتی که خدای متعال به انسان میدهد، انسان موظف است خدای متعال را شکر و سپاس بگوید. بعد از آنکه خدای متعال به ما در یک عرصه‌ای یک موفقیتی را ارزانی داشت، موظفیم تضرع و توسل و توجه

خودمان را افزایش دهیم؛ این وظیفه‌ی ما است. فرمود: «إذا جاء نصرالله و الفتح. و رأيت الناس يدخلون في دين الله أفواجا. فسبح بحمد ربك و استغفره أنه كان تواباً».(۱) نصرت، تفضل الهی است؛ باید ما را به خدای متعال نزدیک کند، رابطه‌ی ما را با خدا احیاء کند، تضرع ما را پیش خدای متعال افزایش دهد. خدا را شکر میکنیم؛ بحمدالله نصرت‌های الهی پی‌درپی شامل حال این مردم بوده است؛ آخرین آن - که نصرت بزرگی هم بود - همین مسئله‌ی انتخابات بود، حضور مردم بود. هم ملت ایران عموماً، هم مسئولان کشور به نحو خاص، در این حماسه‌ی سیاسی دخیل بودند و مشمول این لطف الهی و نصرت الهی شدند.

۲. سعادتی است که در این لحظه مهم حرکت سیاسی کشور، در ماه رحمت الهی قرار گرفتیم

حالا که نصرت الهی شامل حال ما شد و توانستیم این حماسه‌ی بزرگ را بر پا کنیم - که آثار این حماسه‌ی بزرگ در بخشهای مختلف بتدریج خود را نشان خواهد داد - پس باید دست تضرع و توسل به ذیل عنایت پروردگار بگشائیم و از خدای متعال سپاسگزاری کنیم؛ بخصوص که ماه رمضان است؛ این هم یک فرصتی است، این هم یک توفیقی است؛ این هم یک اقبالی است که در این لحظه‌ی مهم حرکت سیاسی کشور، در ماه رحمت الهی قرار گرفتیم، که فرمود: «و هذا شهر الانابة و هذا شهر التوبة و هذا شهر المغفرة و الرحمة و هذا شهر العتق من النار و الفوز بالجنة»؛(۲) اینها از دعا‌های روزهای ماه رمضان است.

۲,۱. رمضان ماه انابه و توبه است؛ هم باید از گناهان و خطاهایمان در هر بخشی که از ما سر زده استغفار کنیم و برگردیم، و هم از حال و آینده انابه کنیم

رمضان ماه انابه است، ماه توبه است. توبه یعنی برگشت از راه غلطی که ما با گناهان خود، با غفلتهای خود، آن راه را رفتیم. معنای انابه این است که توجه به خدای متعال پیدا کنیم برای حال و آینده. گفته‌اند فرق بین توبه و انابه این است که توبه مربوط به گذشته است، انابه مربوط به حال و آینده است. هم از گناهان، از خطاها، از کردار زشت خودمان در هر بخشی که از ما سر زده، پیش خدای متعال عذرخواهی کنیم، استغفار کنیم و برگردیم، و هم انابه کنیم از حال و در آینده؛ این رابطه‌ی قلبی را بین خودمان و خدا تقویت کنیم. رمضان ماه رحمت است، ماه مغفرت است.

۲,۲. رمضان ماه آزادی از آتش است؛ آزادی از همین خطاهایی است که انجام می دهیم، گناهان ما همان صورت های ناسوتی عذاب های آخرتند

فرمود: «و هذا شهر العتق من النار»؛ آزادی از آتش. آزادی از آتش، در واقع آزادی از همین خطاها و گناهانی است که ما انجام میدهیم. این گناهان ما، خطاهای ما، همان صورتهای ناسوتی آن عذابهای آخرتند. اگر اینجا ظلم میکنیم، اگر غیبت میکنیم، اگر بدگوئی میکنیم، اگر از حد خودمان تجاوز میکنیم، اگر از تکلیف تجاوز میکنیم، هر کدام از اینها یک صورت اخروی دارد که در عالم برزخ و در عالم قیامت به شکلهای مخصوص خودش ظاهر میشود، تجسم پیدا میکند؛ و اینها عذاب الهی است. گفت: «ای دریده پوستین یوسفان / گرگ برخیزی از این خواب گران».(۳) در اینجا پنجه درافکندن در دل این و آن، در آنجا تجلی عذاب الهی و گرگ برخاستن از خواب را نتیجه میدهد.

۲,۳. رمضان ماه رفتن به بهشت است؛ اگر در این دنیا تکالیفمان را انجام دهیم، همان رفتن به بهشت است که در قیامت، به آن صورت مجسم خواهد شد

«هذا شهر العتق من النار و الفوز بالجنة»؛ فوز به جنت هم همین است: در اینجا کار خودمان را اصلاح کنیم، دلهایمان را پاکیزه کنیم، عبادات را به‌جا بیاوریم، نوافل را به‌جا بیاوریم، راستی و راستگوئی و امانت و رفاقت و صفا را نسبت به مؤمنین به‌جا بیاوریم، انجام تکلیف را در بخشهای مختلف رعایت کنیم، این همان رفتن به بهشت است که در عالم قیامت، همین عمل ما به آن صورت مجسم خواهد شد؛ به صورت نعم الهی که برای مؤمنین و متقین وعده داده شده است.

۳. یاد خدا با تضرع، پشتوانه همه خیرات و برکاتی است که انسان می تواند در این مهلت زندگی به دست بیاورد

فرمود: «و اذكر ربك في نفسك تضرعاً و خيفة»؛(۴) یاد خدا با تضرع، پشتوانه‌ی همه‌ی خیرات و همه‌ی برکاتی است که انسان میتواند در این مهلت زندگی به دست بیاورد. این یاد خدا نباید اختصاص داشته باشد به دورانهای شدت و محنت و زحمت و فشار؛ نه، در دوران راحت، در دورانی که انسان دغدغه و نگرانی مادی هم ندارد، این یاد خدا را باید در دل نگه دارد. وقتی سختی‌هایی به ما افراد بشر روی می‌آورد، به یاد خدا می‌افتیم. فرمود: «فاذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين فلما نجاهم الى البر اذا هم يشركون»؛(۵) در حین بلا، انسان به خدا متوجه میشود؛ وقتی بلا برطرف شد، انسان یادش میرود.

۳,۱. یاد خدا نباید اختصاص داشته باشد به دورانهای زحمت و فشار؛ چون اگر با برطرف شدن شدت غفلت پیدا کنید، راه شما مسدود می شود

در جاهای مختلف قرآن، مکرر در مکرر - شاید ده بار یا بیشتر، که من نشمرم - این گلایه را خدای متعال از انسانها میکند که وقتی دچار شدت میشوید، توجه پیدا میکنید؛ وقتی شدت برطرف شد، غفلت پیدا میکنید. خب، این راه شما را مسدود میکند، حرکت شما را متوقف میکند. در سوره‌ی مبارکه‌ی یونس دو مرتبه این موضوع تکرار شده است؛ یک بار لحن عجیبی است، لحن گلایه‌ی تند الهی از ماها است؛ فرمود: «و اذا مسّ الانسان الضرّ دعانا لجنبه او قاعدا او قائماً»؛ وقتی دچار سختی است، متوجه به ما میشود؛ دعا میکند، تضرع میکند، توجه میکند، در حال خواب، در حال راه رفتن، در حال نشستن؛ «فلما كشفنا عنه ضرّه مرّ كأن لم يدعنا الى ضرّ مسّه»؛ وقتی مشکل برطرف شد، جوری حرکت میکند که گأه از ما چیزی نخواست و ما به او چیزی عنایت نکردیم؛ غفلت محض! بعد میفرماید: «كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعملون»؛(۶) یک لحن تند و توبیخ.

۳,۲. در همه حال باید از خدای متعال کمک خواست، چه در حال محنت و چه آسایش؛ اگر این توجه به خدا باشد، ضامن حرکت تکاملی انسان است

برادران و خواهران! در همه حال باید از خدای متعال کمک خواست. رابطه‌ی قلبی بین ما و خدا باید در حال آسایش، در حال راحت، در حال محنت، در حال کرب ادامه پیدا کند؛ این ضامن حرکت تکاملی انسان است، ضامن تعالی انسان است؛ این است که میتواند ما را به آن هدف اصلی آفرینش برساند.



۴. توسل و تضرع به عمل می‌انجامد و کار و عمل شما مسئولان هم کار دنیااست و هم کار آخرت؛ به همین خاطر به دو عنصر صبر و توکل احتیاج دارد

به نظر ما، این توسل و تضرع، در همه‌ی عرصه‌های حیات، به عمل می‌انجامد. اگر این توجه به خدا باشد، رکود، سکون، ناامیدی، بازگشت به عقب و توقف در عرصه‌های گوناگون حیات وجود ندارد. لازمه‌ی عمل هم «صبر» و «توکل» است. شماها مسئولان کشور هستید در بخشهای مختلف؛ کارهای زیادی برعهده‌ی شما است؛ کارهای شما، هم کار دنیا است، هم کار آخرت؛ یعنی وقتی به انجام وظیفه‌ی خود می‌پردازید، هم دارید دنیا را آباد می‌کنید، زندگی را آباد می‌کنید، هم دارید باطن و درون خودتان را آباد می‌کنید. این عمل - که هم عمل دنیائی است، هم عمل اخروی است - احتیاج دارد به دو عنصر: صبر و توکل. آیه‌ی شریفه‌ی قرآن می‌فرماید: «نعم اجر العاملين. الذین صبروا و علی ربه‌هم یتوکلون».(۷)

۴,۱. عرصه جهانی، صحنه جنگ اراده‌هاست و اراده هر طرف که زودتر ضعیف شود، شکست خواهد خورد؛ صبر یعنی حفظ عزم و اراده و مقاومت کردن

صبر یعنی پافشاری، پایداری، مقاومت، ایستادگی، هدف را فراموش نکردن. فرمود: «ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مئتين»؛(۸) در میدان نبرد، در میدان رویارویی با دشمن، اگر صبر داشته باشید، می‌توانید با این نسبت بر دشمن غلبه پیدا کنید. مکرر عرض کرده‌ایم؛ در عرصه‌های گوناگون جهانی، درگیری‌ها غالباً جنگ اراده‌ها است؛ هر طرفی که اراده‌اش زودتر ضعیف شود، شکست خواهد خورد. صبر یعنی این عزم را، این اراده را نگه داشتن، حفظ کردن.

۴,۲. توکل یعنی کار را انجام دادن و نتیجه را از خدا خواستن؛ بنابراین ابتدا باید کار را انجام داد ولی نتیجه را به خدا واگذار کرد توکل هم یعنی کار را انجام دادن و نتیجه را از خدا خواستن. گمان نشود - که البته در فضای دینی امروز گمان هم نمیشود؛ در گذشته چرا، تبلیغ میشد، اینجور توهم میشد - که توکل یعنی بنشین تا خدا برساند، بنشین تا خدا درست کند، بنشین تا خدا گره را باز کند؛ نه، توکل یعنی کار را انجام بده، نتیجه را از خدا بخواه؛ منتظر نتیجه از سوی پروردگار باش. بنابراین در موضوع توکل - به قول ما طلبه‌ها - «کار» اخذ شده است.

۴,۳. بدون صبر و بدون توکل امکان ندارد انسان بتواند کارهایی را که در زمینه‌ی شخصی یا مدیریت کشور برعهده‌ی اوست، انجام دهد

خب، کاربرد صبر و توکل، علاوه بر اعمال شخصی، در اداره‌ی کشور هم بسیار مهم است. در اعمال شخصی، هم صبر ما، هم توکل ما کاربرد دارد؛ در تحصیل صبر داشته باشیم، توکل داشته باشیم؛ در مشاغل اداری همین جور، در ورزش همین جور، در اداره‌ی امور خانواده همین جور؛ در هر کاری از کارهای شخصی، همین جور. در اداره‌ی کشور و مدیریت کشور هم - چه مدیریتهای کلان، چه مدیریت بخشهای گوناگون - صبر و توکل نقش دارد. بدون صبر و بدون توکل امکان ندارد انسان بتواند کارهایی را که در زمینه‌ی مدیریت کشور برعهده‌ی او است، انجام دهد. با بی‌صبری، با شتابزدگی، با بی‌حوصلگی، با تبلی، با مایوس شدن در مواجهه‌ی

با مشکلات - که اینها همه‌اش ضد توکل است - نمیشود کارهای بزرگ را انجام داد، نمیشود پیشرفت کرد، نمیشود مسئولیت مهم پیشرفت کشور را به انجام رساند.

۵. اگر مسئولان بخواهند صبر و توکل را در زمینه مدیریت کشور به کار بگیرند، باید چند عنصر اساسی و اصلی را رعایت نمایند:

خب، در زمینه‌ی مدیریت کشور - که همه‌ی شما دستتان به نحوی در این کار مشغول است؛ در بخشهای گوناگون اقتصادی و فنی و فرهنگی و علمی و غیره و غیره، شماها مسئولین هستید - اگر ما بخواهیم صبر و توکل را به کار بگیریم، چند عنصر اساسی و اصلی باید مورد رعایت قرار بگیرد:

۵,۱. جهتگیری را باید درست انتخاب کنیم؛ این قطب‌نما و شاخص اصلی است؛ اگر جهتگیری غلط انتخاب شود، تلاشهای گوناگون ما را از راه دور میکند

اول، انتخاب جهت درست است. جهتگیری را باید درست انتخاب کنیم؛ این قطب‌نما است، این شاخص اصلی است. اگر چنانچه جهتگیری را غلط انتخاب کردیم، در انتخاب جهتگیری اشتباه کردیم، تلاش مضاعف ما نه فقط ما را به نتیجه نمیرساند، بلکه ما را از راه دور میکند. فرمود: «قل هل ننبئکم بالأخسرین اعمالا. الذین ضلّ سعیم فی الحیاء الدنیا»؛(۹) سعی و کوشش آنها در گمراهی واقع شده است؛ یعنی در جهت درست انجام نگرفته. جهت را باید درست انتخاب کرد. اگر چنانچه این شاخص وجود نداشته باشد، تلاشهای گوناگون، ما را از مقصد دور میکند. جهتگیری‌ها مهم است.

۵,۱,۱. در شناخت جهتگیری‌ها مشکلی نداریم؛ آثار امام به عنوان شاخص، جلوی چشم ماست؛ وصیت‌نامه‌امام مجموعه مجملی از جهتگیری‌های امام است

بنده در روز چهاردهم خرداد امسال در سالگرد رحلت امام بزرگوار (رضوان الله تعالی علیه) در مرقد مطهر ایشان، جهتگیری‌های انقلاب را بر اساس قرائت امام - که برای ما معتبر و حجت است - شرح دادم. جهتگیری در سیاست داخلی، جهتگیری در سیاست خارجی، جهتگیری در عرصه‌ی فرهنگ، جهتگیری در عرصه‌ی اقتصاد را مفصلاً گفتم؛ اینها مستند به بیانات امام و نصوص امام (رضوان الله تعالی علیه) است. امروز بحمدالله در سرتاسر کشور، نخبگان ما، زبندگان ما، مسئولین ما و آحاد ملت ما، همه امام را قبول دارند؛ همه امام را به عنوان شاخص، انتخاب میکنند. گاهی تفسیر غلط از امام میشود، تفسیر غلط از جهتگیری مورد نظر امام انجام میگیرد؛ که این هم چیز بدی است و خطرناک هم هست. خوشبختانه بیانات امام جلوی چشم ما است؛ بیانات امام، صدای امام، نوشته‌ی امام، آثار امام، جلوی چشم ما است. آن روز عرض کردیم که وصیت‌نامه‌ی امام که یک مجمل و موجزی است از جهتگیری‌های امام، دم دست همه است. بنابراین جهتگیری‌ها مشخص است. ما در شناخت جهتگیری‌ها، هم مشکلی نداریم، هم احتیاج به این نداریم که حالا بنشینیم یک چیزی را مشخص کنیم. امام فقیه بود، حکیم بود، آگاه بود، خردمند بود، پخته بود، سنجیده سخن میگفت، درست فکر میکرد؛ با همین فکر، این انقلاب را به وجود آورد؛ این نظام جمهوری اسلامی را ترتیب داد و بر سر پا کرد و خطوط مشخص و روشنی را معین کرد.



بنابراین اولین کار هر مدیری در هر بخشی این است که جهتگیری درست را در نظر بگیرد.

۵,۲. باید همه ابزارها و نیروها را پای کار آورد و جهتگیری‌ها را به سیاستهای عملی تبدیل کرد؛ در خلال سیاستهای عملی، جهتگیری‌ها برجسته شود

دوم، به‌کارگیری همه‌ی ابزارهایی که در اختیار است. همه‌ی ابزارها را، همه‌ی نیرو را باید پای کار آورد. این جهتگیری‌ها باید به شکل سیاستهای عملی در بیاید. سیاستهای کلی، بخشی از این سیاستهای عملی است؛ چشم‌انداز بیست‌ساله، بخشی از این سیاستهای عملی است؛ سیاستهای اجرایی دولت در بخشهای مختلف، بخشی از این سیاستهای عملی است؛ برنامه‌هایی که دولتها و مجلسها تصویب میکنند و بنای بر اجرای آن می‌گذارند، بخشی از این سیاستهای عملی است. باید در خلال این سیاستهای عملی، آن اهداف کلی و آن جهتگیری‌ها تبیین شود و نقش پیدا کند و برجسته شود.

۵,۳. باید اولویتها را در نظر گرفت؛ چون کارها زیاد است و گاهی اوقات نیرو و سرمایه به قدر همه نیازها نیست

سوم، نگاه به اولویتها است؛ این هم یک عنصر دیگری است. کارها زیاد است، گاهی اوقات نیرو و توان یا سرمایه و منبع مالی به قدر همه‌ی نیازها نیست؛ لذا باید اولویتها را در نظر گرفت. این کاری است که ما در زمینه‌ی مدیریتها برای تحقق صبر و توکل میتوانیم انجام دهیم.

ب) فرصت بزرگ بودن مقطع جابه جایی دولتها، لزوم توجه به واقعیت های کشور، بیان عناصر استحکام قدرت ملی و الزامات تعامل با دنیا

۱. کشور در یک مقطع خوبی قرار دارد؛ مقاطع جابه‌جائی دولتها، جزو مقاطع خوب و مبارک کشور و تاریخ سیاسی ما و یکی از فرصتهای بزرگ ماست

یک نگاه کلی به کشور بکنیم. خوشبختانه کشور در یک مقطع خوبی قرار دارد. من به شما عرض بکنم؛ مقاطع تحویل مسئولیت دولتها، جزو مقاطع خوب کشور و تاریخ سیاسی ما است. این جابه‌جائی دولتها یکی از منتتهای بزرگ الهی است بر ما؛ یکی از فرصتهای بزرگی است که در اختیار ما است. نفس جدیدی، ابتکارات جدیدی، کارهای جدیدی، سلائی و اذواق جدیدی می‌آید میدان - قانون اساسی این را مشخص کرده - این یکی از فرصتها است.

۱,۱. در سالهای متوالی بعد از انقلاب، منهای برهه‌ی کوتاه سال ۸۸، همیشه دست‌به‌دست شدن قدرت در کشور، با آسایش و با شادکامی همراه بوده است

البته این فرصت تبدیل میشود به تهدید، اگر چنانچه جور دیگری عمل شود؛ مانند آنچه که در برخی از کشورها انسان مشاهده میکند، که جابه‌جائی قدرتها با زور آزمائی، با خونریزی، با خشونت همراه است؛ که خوشبختانه در کشور ما اینجور نیست. البته در سال ۸۸ بعضی خطای بزرگی را مرتکب شدند، کشور را در لبه‌ی یک چنین پرتگاهی قرار دادند، یک مشکل اینچنینی را برای کشور تدارک

دیدند؛ اما بحمدالله خدای متعال کمک کرد، ملت توانست از این مشکل عبور کند. در این سالهای متوالی از اول انقلاب - منهای همان برهه‌ی کوتاه سال ۸۸ - همیشه این دست‌به‌دست شدن قدرت و مسئولیت در کشور، با آسایش، با خوشی و با شادکامی همراه بوده است؛ این خیلی فرصت مهمی است.

۱,۲. با دست‌به‌دست شدن دولت، فکرها و ابتکارهای جدید وارد میدان می شود که باید با استفاده از آنچه دولتهای قبل انجام دادند، کشور را پیش ببرند

بنابراین امروز که دولت دارد دست‌به‌دست میشود، مجموعه‌ی جدیدی، گروه جدیدی، عناصر جدیدی، فکرهای جدیدی، ابتکارهای جدیدی وارد میدان میشوند؛ باید با استفاده از آنچه که تاکنون انجام گرفته است، و با بنا بر روی بنائی که تا امروز بالا رفته است، ان‌شاءالله کشور را پیش ببرند. این فرصت بسیار مهمی است، فرصت خوبی است و برای کشور ما عید است؛ یعنی واقعاً این جابه‌جائی قدرتها مبارک است. هر مجموعه‌ای هم که سر کار می‌آید، با نگاه مثبت به مجموعه‌ی قبل از خود نگاه کند.

۱,۳. مهم این است که با دست به دست دولت ها، جهتگیری‌ها استمرار داشته باشد

خب، این گزارش مبسوط آقای رئیس جمهور، آقای دکتر احمدی‌نژاد را شنیدید. کارهای فراوانی شده، کارهای برجسته‌ای انجام گرفته. ممکن است دولت بعدی بیاید همین مقدار کار یا دو برابر این کار یا بیشتر، بر آنچه که انجام گرفته است، بیفزاید؛ چه چیزی از این بهتر برای کشور؟ مهم این است که جهتگیری‌ها استمرار داشته باشد؛ که من در زمینه‌ی استمرار جهتگیری‌ها و تذکراتی که در این مورد دارم، در فرصتهای بعدی ان‌شاءالله مطالبی را به مسئولین و به ملت عرض خواهم کرد؛ که حالا لزومی ندارد و اقتضائی هم ندارد.

۲. آنچه امروز لازم است که مورد توجه قرار گیرد، یک نگاه کلان به نظام اسلامی و به شرائط عمومی کشور است؛ واقعیت هایی در کشور وجود دارد:

آنچه که امروز لازم است و خوب است که مورد توجه قرار بگیرد، یک نگاه کلی به کشورمان و به شرائط عمومی کشور است. نمیخواهیم به جزئیات سرگرم شویم - جزئیات فراوانی وجود دارد - یک نگاه کلان به امور کشور عزیزمان و نظام جمهوری اسلامی بکنیم، ببینیم ما کجائیم، چه هستیم. چند عنصر را من اینجا یادداشت کرده‌ام - شش هفت عنصر را - اینها همه‌اش واقعیتها است:

۲,۱. موقعیت جغرافیائی ایران یکی از موقعیتهای جغرافیائی خوب دنیا است؛ این یک امتیاز است که از نظر جغرافیایی در بالاترین درجه قرار داریم

واقعیت اول: کشور ما کشوری است با جغرافیای مهم. موقعیت جغرافیائی ما یکی از موقعیتهای جغرافیائی خوب کشورهای دنیا است. اگر کشورهای دنیا را از لحاظ موقعیت جغرافیائی به چند درجه تقسیم کنیم، یقیناً ایران در درجات بالا یا در بالاترین درجه قرار خواهد گرفت. از لحاظ موقعیت جغرافیائی، این یک امتیاز است؛ این را ما داریم، این خداداد است.

۲,۲. ریشه‌های تمدنی کهن ایران، بخصوص از دوره‌ی اسلام به بعد، تاریخ بافتخاری است؛ بنابراین ما از لحاظ تمدن، جزو



واقعیت دوم، تاریخ و ریشه‌های تمدنی ما است. ریشه‌های تمدنی کهن ما، تاریخ ما، تاریخ بافتخاری است؛ بخصوص از دوره‌ی اسلام به این طرف. قبل از اسلام هم برجستگی‌هایی در تاریخ کشور ما وجود دارد، اما بعد از اسلام این برجستگی‌ها بمراتب بیشتر شده؛ از لحاظ علم، از لحاظ صنعت، از لحاظ مسائل فرهنگی، از لحاظ افتخارات گوناگون سیاسی، از لحاظ توسعه‌ی کشور؛ چه توسعه‌ی کیفی، چه توسعه‌ی کمی. این تاریخ ما است. میراث علمی ما در بخشهای مختلف دانش بشری و دانشهای الهی، میراث کم‌نظیری است. واقعاً کمتر کشوری در همین مناطق آسیا و تمدنهای کهن - در هند و چین و مصر و امثال اینها - اینجور بوده است؛ حالا مناطق غرب که گذشته‌ی آنچنانی‌ای ندارند. بنابراین ما از لحاظ تمدن جزو برجسته‌ها و برترین‌ها هستیم؛ این هم یک واقعیتی است.

۲,۳. ثروتهای طبیعی و انسانی ما چشمگیر است؛ از نظر ذخایر گوناگون، فوق‌العاده غنی هستیم و از لحاظ استعداد انسانی، در رتبه‌های بالا قرار داریم

واقعیت سوم، ثروتهای طبیعی و انسانی چشمگیر است. حدود بیست و چند سال قبل از این گفته میشد که ذخیره‌ی نفت کشور در فلان تاریخ - یک مقطعی را مشخص میکردند - تمام خواهد شد؛ اما کشفیاتی که در زمینه‌ی ذخائر نفتی و گازی شده، این مدت را به حدود چهار پنج برابر گسترش و توسعه داده. در زمینه‌ی فلزات، در زمینه‌ی انرژی، در زمینه‌ی ذخائر گوناگونی که یک کشور برای اداره‌ی خودش به آنها احتیاج دارد، کشور غنی‌ای هستیم، کشور فوق‌العاده‌ای هستیم.

از لحاظ منابع انسانی هم همین جور. بارها این را گفتیم - اوائل از روی حدس و گمان میگفتیم، بعد آمارهای بین‌المللی همین را تأیید کرد - که ما از لحاظ رتبه‌ی استعداد انسانی، در رتبه‌های بالا هستیم؛ یعنی از متوسط جوامع بشری موجود دنیا خیلی بالاتریم؛ متوسط ما از متوسط دنیا بالاتر است. استعدادهای ما، جوانهای ما فوق‌العاده‌اند؛ دارید می‌بینید دیگر. من شاید مکرر این را گفته‌ام؛ با اطلاعاتی که بنده دارم و گزارشهایی که در اختیار بنده قرار میگیرد و مشاهداتی که وجود دارد، هیچ قسمتی از قسمتهای گوناگون علم و فناوری وجود ندارد که زیرساختش در کشور وجود داشته باشد و جوانهای ما و دانشمندان ما نتوانند در آن قسمت کار بزرگی انجام دهند؛ هر جا نمیتوانند، زیرساختهایش وجود نداشته است؛ که البته این زیرساختها را باید به وجود بیاورند، و دارند هم به وجود می‌آورند. این، ثروت طبیعی و ثروت انسانی ما است.

۲,۴. در طول دو سه قرن اخیر، هم از ناحیه استبداد داخلی و دیکتاتوری‌های داخل کشور و هم از ناحیه تهاجم‌های بیرونی، ضربه‌های سختی خوردیم

یک واقعیت دیگر هم در کنار این واقعیتهای باید مشاهده شود و آن این است که ما در طول دو سه قرن اخیر ضربه‌های سختی خوردیم؛ هم از ناحیه‌ی استبداد داخلی و دیکتاتوری‌های داخل کشور، هم از ناحیه‌ی تهاجم‌های بیرونی. این یک واقعیتی است که ما ضربه خوردیم. تاریخ ورود و نفوذ دولتهای بیگانه در کشور ما از سال ۱۸۰۰ میلادی است؛ یعنی دویست و دوازده سال است که اولین نفوذ خارجی از طریق حکومت انگلیسی‌ها هند اتفاق افتاد؛ جان ملکم انگلیسی آمد ایران - که حالا تاریخش را کسانی که ملاحظه کردند، میدانند - و تبعاتی

که پیش آمد. ضعف آن دولتها در مواجهه‌ی با نفوذ و تهاجم فرهنگ غربی و سیاست غربی و حکومتهای غربی، موجب انفعال کشور شد و همین طور رفته رفته ما دچار ضعف شدیم، هزیمتهایی داشتیم؛ این هم یک واقعیتی است. ما در برآورد مسائل کشور و شناخت وضعیت کنونی کشور نمیتوانیم این دوره را ندیده بگیریم. ضربه‌های سختی به ما زدند؛ هم نفوذ سیاسی پیدا کردند، هم نفوذ فرهنگی پیدا کردند، هم منابع ما را غارت کردند.

۲,۴,۱. مورخین ما باید کار مبسوط و مشروعی در مورد غارت ثروت کشور، سلطه سیاسی و تحقیر ملت ما به وسیله کشورهای متنفذ خارجی انجام دهند

متأسفانه هنوز کار درستی در این زمینه انجام نگرفته. محققین و مورخین ما باید بنشینند یک کار مبسوط و مشروعی را انجام دهند در مورد غارت منابع اقتصادی کشور به وسیله‌ی کشورهای متنفذ خارجی که وارد اینجا شدند؛ مثل انگلیس در یک برهه‌ای، روسها در یک برهه‌ی دیگری، و دیگرانی که در کنار اینها بودند - که البته عمده اینها بودند - بعد هم آمریکا در نهایت کار. غارت ثروت، سلطه‌ی سیاسی، تحقیر ملت. آنچه که شما از زبان سیاستمداران و دولتمردان وابسته‌ی به سیاستهای غربی و دستگاههای استبدادی شنفتید در زمینه‌ی تحقیر ایران و ایرانی و اینکه «نمیتوانیم» و چه و چه، اینها همه‌اش ناشی از همان سلطه‌ی فرهنگ غربی و سلطه‌ی سیاسی غرب بر کشور ما بوده. اینها جزو واقعیتهای است.

۲,۵. ایران در سه مقطع مشروطیت، نهضت ملی و انقلاب اسلامی، یک حرکت ملی و بیداری عمومی داشت؛ البته در دو مقطع اول شکست خوردیم

واقعیت پنجم، بیداری ملی است در سه مقطع. در سه مقطع، ما یک بیداری عمومی و ملی داشتیم: اول، مقطع مشروطیت؛ دوم، مقطع نهضت ملی - آیه‌الله کاشانی و دکتر مصدق - و سوم، مقطع انقلاب اسلامی. در آن دو مقطع، ملت ایران شکست خورد. قیام مشروطیت، قیام مهمی بود؛ لیکن شکست خوردند. در نهضت ملی قیام کردند، شکست خوردند. حالا عوامل این شکست چیست، اینها بحثهای طولانی و مفصلی است؛ هر کدام عواملی داشته. سوم، مقطع انقلاب اسلامی است. اینها حرکتهای ملی است. البته حرکتها و اقدامها و نهضتهای غیر عمومی هم وجود داشته - مثل نهضت تنباکو و اینها - آنها یک حرکت ملی برای تغییر بنیادین و تحول در کشور نبود؛ برای یک مسئله‌ی خاص بود. آنچه که میشود گفت یک حرکت ملی، یک کار بزرگ، همین سه مقطع بود.

۲,۵,۱. مقطع پیروزی انقلاب اسلامی، مقطع برجسته‌ای بود که ملت ایران پس از دو قرن هزیمت در مقابل تهاجم غرب، معارضان خود را به زانو درآورد

آن دو مقطع شکست خورد؛ اما مقطع پیروزی انقلاب اسلامی، مقطع برجسته‌ای بود که غرب را و معارضان مقابل خود را شکست داد و به زانو درآورد؛ و این به برکت شخص امام و شخصیت امام و به برکت احکام و قوانینی بود که امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه) به آنها متکی بود و جمهوری اسلامی را بر آن اساس به وجود آورد و خطوط روشنی که ترسیم کرد؛ این یک واقعیتی است. بنابراین ما در مقابل آن هزیمتی که در آن دو قرن - تقریباً - در مقابل تهاجم غربی‌ها داشتیم، این حرکت مواجهه‌ی پیروزمند با غرب را



هم داشتیم؛ این هم یک واقعیتی است.

۲.۶. یکی از مهمترین واقعیتهای پیشرفتهای یک کشور است؛ مقدار پیشرفت ایران از مقطع پیروزی انقلاب تا امروز در دنیا سابقه نداشته است

واقعیت ششم، تجربه‌ی پیشرفت در عرصه‌های گوناگون است. بعضی‌ها در زمینه‌ی مسائل سیاسی - چه سیاست خارجی، چه سیاست داخلی، چه اقتصاد، چه غیره - میگویند آقا باید واقع‌بین بود. خب، واقعیتهای اینها است؛ این واقعیتهای را باید دید. یکی از مهمترین واقعیتهای پیشرفتهای یک کشور است. کشور ایران از مقطع پیروزی انقلاب - یعنی از سال ۱۳۵۷ - تا امروز به قدری تغییر کرده است که این مقدار تغییر را ما در ظرف این مدت در کشورهای دیگر نمی‌بینیم؛ یعنی بنده سراغ ندارم. کشورهای پیشرفته‌ی تمدنی و صنعتی و علمی، فاصله‌ی حرکتشان تا رسیدن به این نقطه‌ای که ما امروز رسیدیم، فاصله‌ی بیشتری بوده است. تا آنجائی که بنده اطلاع دارم، به نظرم میرسد که در دنیا این مقدار پیشرفت کمتر دیده شده است یا دیده نشده است.

۲.۶.۱. به طور مشخص در زمینه‌هایی چون علمی، سیاست داخلی، الگوی جدید مردم‌سالاری، سیاست خارجی، سازندگی و فرهنگی پیشرفت داشته ایم

ما، هم در زمینه‌های علمی پیشرفت کرده‌ایم - که یک بخشی را آقای رئیس‌جمهور امروز اشاره کردند، و البته پیشرفتهای علمی ما خیلی بیش از اینها است؛ نه اینکه به عنوان مسئولان داخلی این حرف را بزنیم؛ نه، این قضاوت مراکز علمی دنیا است - هم در زمینه‌ی سیاسی پیشرفت کرده‌ایم. در زمینه‌ی سیاست داخلی، همین مدل جدید مردم‌سالاری دینی که ما به دنیا عرضه کرده‌ایم، همین انتخابات، همین دست‌به‌دست شدن قدرت اجرائی و قدرت تقنینی کشور، یکی از بزرگترین موفقیتها است. مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری سالم است؛ بدون کارها و شگردهای که در دنیا معمول است. من متأسفم از این که خیلی از جوانهای ما از این شگردهائی که در دنیا، در آمریکا، در غرب، در اروپا، در زمینه‌ی انتخابات به کار می‌برند، که ظاهر دموکراسی دارد، اما باطن غیر دموکراسی دارد، خبر ندارند. کتابهای خوبی در این زمینه نوشته شده، خود غربی‌ها نوشته‌اند؛ اینها را بخوانند، این کتابها را ببینند؛ چگونگی انتخاب یک شهردار یا یک فرماندار در فلان ایالت آمریکا، بعد سناتور شدن، بعد رئیس‌جمهور شدن؛ هل داده شدن افراد به این عرصه‌ها چگونه است، با چه شگردهائی انجام میگیرد؛ آن وقت مقایسه کنند با اینجا که یک نفری می‌آید در مواجهه‌ی با مردم، در حرف زن با مردم، گاهی بدون هیچ سابقه‌ی اجرائی، مردم را جذب میکند؛ موج ایجاد میشود، مردم می‌روند پای صندوقهای رأی، رأی میدهند، انتخاب میکنند، با این درصدهای بالا؛ این مدل جدیدی است از دموکراسی؛ این پیشرفت سیاسی ما است.

در سیاست خارجی هم همین جور. امروز جمهوری اسلامی نقش غیرقابل انکاری در مسائل گوناگون منطقه و مسائل اساسی منطقه‌ی خود دارا است، که این را هیچ کس منکر نیست. مسائل منطقه‌ی ما، مسائل جهانی هم هست؛ این هم ضمناً معلوم باشد. پیشرفت در سیاست داخلی، الگوی جدید مردم‌سالاری، قدرت انتخاب ملی؛ در سیاست خارجی، این تأثیرگذاریها؛ اینها واقعیت است.

پیشرفت در سازندگی. این مقدار کاری که در زمینه‌ی سازندگی در این سی سال انجام گرفته است، واقعاً شگفت‌آور است. قبل

از انقلاب، ما به شهرهای گوناگون، به روستاها، به مناطق محروم رفتیم، وضع را دیدیم؛ میدانیم آن وقت چه جوری کار میکردند. زلزله می‌آمد - بنده خودم در چند زلزله‌ی بزرگ معروف گروه امداد تشکیل داده بودم و آنجا کار میکردیم - دیدم چه جوری حرکت میکردند، چه جوری کار میکردند؛ و حالا در دوره‌ی کنونی، شما ملاحظه کنید در یک بخشی از کشور یک زلزله‌ای اتفاق بیفتد، یک بالای طبیعی به وجود بیاید، مردم دچار مشکل شوند، با چه سرعتی امدادرسانی میشود. این باور نکردنی است، اما واقعیت دارد. در زمینه‌ی فرهنگی هم همین جور. ما یک چرخش صد و هشتاد درجه‌ای فرهنگی نسبت به قبل از انقلاب و دوران طاغوت به شکل کلی داریم؛ جزئیات را بحث نمیکنیم. با نگاه کلان، یک چرخش به تمام معنا است. البته اگر بهتر کار کنیم، بیشتر بلد باشیم، بیشتر جدیت کنیم، در جزئیات هم موفق خواهیم بود.

۲.۷. آینده‌ی پر امید با تکیه بر نسل جوان پراستعداد یکی دیگر از واقعیتهای کشور است

آینده‌ی پر امید، یکی دیگر از واقعیتهای کشور است. این نسل جوان خیلی قیمت دارد. من پارسال ماه رمضان همین جا مطلبی را گفتم و خب، مختصری دنبال شد؛ نه به صورت کامل.

۲.۷.۱. تحدید نسل برای کشور ما خطر بزرگی است و با روند کنونی، در آینده دچار مشکل پیری عمومی خواهیم شد؛ باید جلوی این کار را بگیریم

مسئله‌ی تحدید نسل برای کشور ما خطر است؛ من به شما عرض بکنم. محدود کردن نسل، برای کشور ما یک خطر بزرگی است. ما در منطقه‌ی خطر مبالغ زیادی پیش رفتیم، باید برگردیم؛ میتوانستیم جلوی این کار را بگیریم، نگرفتیم. آنچه که متخصصین و کارشناسان، با نگاههای علمی، با دقت علمی بررسی کرده‌اند، ما را به این نتیجه میرساند که با این روند کنونی، کشور در آینده دچار مشکل فراوان خواهد شد؛ کشور دچار پیری عمومی خواهد شد. این تحدید نسل، چیز بدی است. البته شنیدم در مجلس طرحی در حال بررسی است؛ منتها آنطور که برای ما نقل کردند، آن طرح جواب نمیدهد؛ این مقداری که در این طرح دیده شده، جوابگو نیست. مسئولین و علاقه‌مندان و آشنایان با مقتضیات این کار در مجلس، باید توجه کنند و درست انجام دهند.

۲.۸. ما با یک جبهه دشمن مواجه ایم؛ جبهه معارضی اعم از ارتجاع و استکبار و برخی دولتمردان غربی و منطقه که فقط درمقابل ایران شکل گرفته است

واقعیت هفتم این است که کشور با یک جبهه‌ی دشمن معاند مواجه است. مثل خیلی از چیزهای دیگر و عرصه‌های دیگر که ما در دنیا تکیم، در این قسمت هم در دنیا تکیم! نداریم کشوری را که یک جبهه‌ی معارض معاندی با این عرض و طول در مقابلش وجود داشته باشد؛ در مقابل ما هست. جبهه‌ی ارتجاع هست، جبهه‌ی استکبار هست، برخی از سردمداران کشورهای غربی هستند، برخی از ضعفای مسئولان دولتهای منطقه‌ای هم هستند؛ بالاخره یک جبهه‌ای است در مقابل ما. البته اینها دلائل مشخصی دارد، قابل توضیح و قابل تحلیل هم هست - که جایش اینجا نیست - لیکن واقعیت امر این است که یک چنین جبهه‌ای وجود دارد.



۲,۸,۱. در مواجهه با این جبهه، باید با تکیه به واقعیتها و نگاه به هدفهای کلی تصمیم بگیریم؛ مسئولین باید در چنین شرائطی راه آینده را تشخیص دهند

خب، ما در مواجهه‌ی با این جبهه، با تکیه‌ی به آن واقعیتها، با نگاه به آن هدفهای کلی، باید تصمیم بگیریم. هر مسئولی در هر بخشی باید بداند که در یک چنین شرائطی راه آینده چگونه است؛ باید بتواند این را تشخیص دهد.

۳. واقعیتها این را به ما املاء می کنند که ما می توانیم دهه چهارم انقلاب را به معنای واقعی کلمه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت قرار دهیم

به نظر ما این واقعیتها راه آینده را به ما نشان میدهد. ابتکاراتی که دولتها و مدیران بخشهای مختلف به کار می‌برند، برای کشور فرصت است و نعمت الهی است.

دهه‌ای که ما امروز در آن قرار داریم - دهه‌ی چهارم انقلاب - میتواند به معنای واقعی کلمه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت باشد. این واقعتهائی که ما مشاهده میکنیم، همه به ما این را املاء میکنند که ما میتوانیم این دهه را به معنای واقعی کلمه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت قرار دهیم.

۴. در پیشرفت به سمت هدفهای آرمانی، اساس کار اینکه ساخت قدرت ملی را استحکام ببخشیم؛ برخی از عناصر استحکام همیشگی و برخی فصلی اند:

در پیشرفت به سمت هدفهای آرمانی، باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید؛ اساس کار این است. ما اگر میخواهیم این راه را ادامه دهیم و به این سمت حرکت کنیم و این هدفها را دنبال کنیم و چشم به این آرمانها بدوزیم و پیش برویم و در مقابل این معارضه‌ها ایستادگی کنیم و صبر و توکل را به کار بگیریم، باید ساخت قدرت ملی را در درون کشور تقویت کنیم و استحکام ببخشیم.

۴,۱. عزم راسخ جزو عناصر همیشگی است؛ مسئولان عزم خود را در مواجهه با مشکلات حفظ کنند و دچار تزلزل نشوند؛ عزم راسخ مردم هم لازم است

عناصر این استحکام، برخی عناصر همیشگی است، برخی هم عناصر فصلی است. آنچه که جزو عناصر همیشگی است، عزم راسخ است؛ که عرض کردیم. مسئولان کشور باید تصمیمشان را در مواجهه‌ی با مشکلات حفظ کنند، عزم راسخ خودشان را محفوظ بدارند، دچار تزلزل نشوند. به سمت آرمانها حرکت کردن، این عزم راسخ را نیاز دارد. اینجور نباشد که با مشاهده‌ی اخم دشمن، ترشروئی دشمن، حرکت معارضه‌ی دشمن با شکلهای مختلفش - تبلیغاتی‌اش، سیاسی‌اش، اقتصادی‌اش و امثال اینها - متزلزل شوند. هم عزم راسخ مسئولین لازم است، هم عزم راسخ مردم لازم است. البته این دومی - عزم راسخ مردم - الزاماتی هم دارد، که حالا معلوم است. ما اگر بخواهیم عزم راسخ مردم را حفظ کنیم، یک سلسله وظائفی را باید انجام دهیم.

۴,۲. مسئله اقتصاد و علم جزو عناصر فصلی هستند؛ مسئولان کلان و سیاستگذاران برای پیشرفت باید به این دو نقطه‌ی اصلی توجه کنند

اما آنچه که فصلی است - آنچه که در حال حاضر برای کشور اولویت دارد - به نظر من مسئله‌ی اقتصاد و مسئله‌ی علم است. مسئولان کلان کشور، سیاستگذاران کشور، کسانی که اداره‌ی امور اساسی را در کشور به عهده دارند، به این دو نقطه‌ی اصلی برای پیشرفت باید توجه کنند. روی مسئله‌ی اقتصاد کشور باید تکیه شود، روی مسئله‌ی پیشرفت علمی کشور هم باید تکیه شود. توجه به اقتصاد خوشبختانه نسبتاً عمومی است؛ همه توجه دارند. حماسه‌ی اقتصادی هم جزو شعار امسال بوده. امیدواریم همچنان که حماسه‌ی سیاسی انجام گرفت، حماسه‌ی اقتصادی هم با همت مسئولین انجام بگیرد. البته کار اقتصادی، کار کوتاهمدتی نیست؛ کار یک ماه و دو ماه و یک سال نیست؛ لیکن باید حرکت آغاز شود. روی مسئله‌ی علم هم من تکیه میکنم. در این ده سال گذشته، حرکت علمی ما خیلی خوب بوده؛ پیشرفت علمی و سرعت پیشرفت، بسیار خوب بوده است؛ اما این سرعت پیشرفت باید کند نشود. اگر ما بخواهیم به آن سطح مطلوب برسیم، اگر بخواهیم به خطوط مقدم دانش جهانی برسیم، باید این سرعت پیشرفت را همچنان حفظ کنیم.

۵. در مسئله تعامل با دنیا، ما از اول هم اهل تعامل با دنیا بودیم؛ اما در تعامل باید طرف مقابل را شناخت؛ چون اگر شناسیم، پشت پا خواهیم

دومین نکته‌ای که در این زمینه وجود دارد، مسئله‌ی تعامل با دنیا است؛ که این روزها زیاد هم گفته میشود. ما معتقد به تعامل با دنیا هستیم. در تعامل با دنیا، باید طرف مقابل را شناخت؛ اگر شناسیم، پشت پا خواهیم خورد. پرونده‌ی خصوم خودمان را فراموش نکنیم. ممکن است انسان یک وقتی سابقه‌ای را به رو نیاورد؛ اشکالی ندارد. شما یک وقتی با یک شخصی مواجه‌اید، میخواهید یک کاری را انجام دهید، یک سابقه‌ای هم از او دارید، مصلحت نمیدانید به رو بیاورید؛ این اشکالی ندارد، اما این سابقه یادتان نرود؛ اگر یادتان رفت، پشت پا خواهید خورد، ضربه خواهید خورد.

۵,۱. مذاکره با آمریکا را در مسائل خاص منع نمی کنیم، لکن من اول سال گفتم خوشبین نیستیم؛ موضعگیری دشمنان در این چهارماه هم این را تایید کرد

آمریکائی‌ها میگویند ما میخواهیم با ایران مذاکره کنیم. خب، سالها است که میگویند میخواهیم مذاکره کنیم؛ این یک فرصتی نیست که برای ما به‌وجود آوردند. من اول سال گفتم که خوشبین نیستیم. در مسائل خاص، مذاکره را منع نمیکنم - مثل مسئله‌ی خاصی که در قضیه‌ی عراق داشتیم، و بعضی از قضایای دیگر - لیکن من خوشبین نیستیم؛ چون تجربه‌ی من این را نشان میدهد. آمریکائی‌ها، هم غیرقابل اعتمادند، هم غیر منطقی‌اند، هم در برخوردشان صادق نیستند. این چهار ماهی هم که از آن صحبت ما گذشت، همین را تأیید کرد؛ موضعگیری‌های مسئولان و دولتمردان آمریکا نشان داد که همین مطلبی که ما گفتیم - که گفتیم خوشبین نیستیم - درست است؛ خود آنها عملاً این را تأیید کردند. انگلیسها هم یک جور دیگر، دیگران هم یک جور دیگر. تعامل با دنیا هیچ ایرادی ندارد، ما از اول هم اهل تعامل با دنیا بودیم؛ منتها در تعامل، طرف مقابل را باید شناخت؛ شگردهای او را باید دانست؛ هدفهای اساسی و کلان را باید در مدّ نظر داشت.

۵,۲. هنر این است در مقابل مانع تراشی دشمن کاری کنید که راهتان را ادامه دهید؛ والا اگر تفاهم کنید که از راه خود



برگردید، این یک خسارت است

ممکن است دشمنی سر راه شما را بگیرد، بگوید از اینجا نباید جلو بروید. سازش با او به این صورت نیست که شما قبول کنید، برگردید؛ هنر این است که شما کاری کنید که راهتان را ادامه دهید، او هم مانع کار شما نشود؛ والا اگر چنانچه توافق و تفاهم به این معنا بود که او بگوید شما باید از این راه برگردید، شما هم بگوئید خیلی خوب، این که خسارت است. توجه به این جهات باید از سوی مسئولین و دولتمردان وجود داشته باشد.

البته مسائل منطقه هم مسائل مهمی است، که بخشی از ذهن ما و اهتمامهای ما را به خودش اختصاص میدهد؛ اما دیگر مجالی نیست.

موخره

برادران و خواهران عزیز! تحمل کردید، گوش کردید؛ امیدواریم خدای متعال همه‌ی شما را مشمول تفضلات خودش قرار دهد. پروردگارا! توفیق تضرع به خودت را در این ماه به ما عنایت کن. ما را از جهنمی که خودمان برای خودمان برافروزم، نجات بده. پروردگارا! ما را به عمل خیر و عمل صالح راهنمایی بفرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد، ملت ایران، مسئولین کشور، مسئولینی که تا امروز مشغول کار بودند، مسئولینی که فردا مشغول کار خواهند شد، همه را مشمول لطف و عنایت خودت قرار بده. کسانی که برای کشور و برای این ملت زحمت کشیدند و تلاش کردند، زحمات آنها را مقبول بفرما. پروردگارا! آن کسانی که تصمیم دارند برای این کشور کار کنند، زحمت بکشند، خدمت کنند، آنها را در این کار موفق بدار؛ آنها را به راه راست - راهی که مورد رضای تو است - راهنمایی بفرما. قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود بفرما. روح مطهر امام بزرگوار و ارواح طیبه‌ی شهدا را از ما راضی و خشنود بفرما.

والسّلام علیکم و رحمۀ الله و برکاته

پاورقی

- (۱) نصر: ۱-۳
- (۲) مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۶۱۰
- (۳) مولوی
- (۴) اعراف: ۲۰۵
- (۵) عنکبوت: ۶۵
- (۶) یونس: ۱۲
- (۷) عنکبوت: ۵۸ و ۵۹
- (۸) انفال: ۶۵

(۹) کهف: ۱۰۳ و ۱۰۴

مطالبات

ردیف	عنوان مطالبه	مخاطب	متن اصلی
۱	لزوم سپاسگذاری از خداوند به خاطر خلق حماسه سیاسی	مردم و مسئولان	حالا که نصرت الهی شامل حال ما شد و توانستیم این حماسه‌ی بزرگ را بر پا کنیم - که آثار این حماسه‌ی بزرگ در بخشهای مختلف بتدریج خود را نشان خواهد داد - پس باید دست تضرع و توسل به ذیل عنایت پروردگار بگشائیم و از خدای متعال سپاسگزاری کنیم؛ بخصوص که ماه رمضان است
۲	غافل نشدن از یاد خدا در زمان آسایش و راحتی	مردم و مسئولان	در جاهای مختلف قرآن، مکرر در مکرر - شاید ده بار یا بیشتر، که من نشمردم - این گلابه را خدای متعال از انسانها میکند که وقتی دچار شدت میشوید، توجه پیدا میکنید؛ وقتی شدت برطرف شد، غفلت پیدا میکنید. خب، این راه شما را مسدود میکند، حرکت شما را متوقف میکنند... برادران و خواهران! در همه حال باید از خدای متعال کمک خواست. رابطه‌ی قلبی بین ما و خدا باید در حال آسایش، در حال راحت، در حال محنت، در حال کرب ادامه پیدا کند؛ این ضامن حرکت تکاملی انسان است، ضامن تعالی انسان است؛ این است که میتواند ما را به آن هدف اصلی آفرینش برساند. به نظر ما، این توسل و تضرع، در همه‌ی عرصه‌های حیات، به عمل می‌انجامد. اگر این توجه به خدا باشد، رکود، سکون، ناامیدی، بازگشت به عقب و توقف در عرصه‌های گوناگون حیات وجود ندارد.



۳	برخورداری از صبر و توکل در مدیریت کشور	مسئولان	بدون صبر و بدون توکل امکان ندارد انسان بتواند کارهایی را که در زمینه‌ی مدیریت کشور برعهده‌ی او است، انجام دهد. با بی‌صبری، با شتابزدگی، با بی‌حوصلگی، با تنبلی، با مأیوس شدن در مواجهه‌ی با مشکلات - که اینها همه‌اش ضد توکل است - نمیشود کارهای بزرگ را انجام داد، نمیشود پیشرفت کرد، نمیشود مسئولیت مهم پیشرفت کشور را به انجام رساند.
۴	انتخاب درست جهت گیری در مسائل کشور	مسئولان	جهتگیری را باید درست انتخاب کنیم؛ این قطب‌نما است، این شاخص اصلی است. اگر چنانچه جهتگیری را غلط انتخاب کردیم، در انتخاب جهتگیری اشتباه کردیم، تلاش مضاعف ما نه فقط ما را به نتیجه نمیرساند، بلکه ما را از راه دور میکند. فرمود: «قل هل نبئکم بالأخسرین اعمالا. الذین ضلّ سعیمهم فی الحیاة الدنیا»؛ (۹) سعی و کوشش آنها در گمراهی واقع شده است؛ یعنی در جهت درست انجام نگرفته. جهت را باید درست انتخاب کرد.
۵	استفاده از همه ابزارها و نیروها برای تبدیل جهت گیری ها به سیاست های عملی	مسئولان	همه‌ی ابزارها را، همه‌ی نیرو را باید پای کار آورد. این جهتگیری‌ها باید به شکل سیاستهای عملی در بیاید. سیاستهای کلی، بخشی از این سیاستهای عملی است؛ چشم‌انداز بیست‌ساله، بخشی از این سیاستهای عملی است؛ سیاستهای اجرایی دولت در بخشهای مختلف، بخشی از این سیاستهای عملی است؛ برنامه‌هایی که دولتها و مجلسها تصویب میکنند و بنای بر اجرای آن میگذارند، بخشی از این سیاستهای عملی است. باید در خلال این سیاستهای عملی، آن اهداف کلی و آن جهتگیری‌ها تبیین شود و نقش پیدا کند و برجسته شود.



۶	لحاظ کردن اولویت ها در مدیریت کشور	مسئولان	کارها زیاد است، گاهی اوقات نیرو و توان یا سرمایه و منبع مالی به قدر همه‌ی نیازها نیست؛ لذا باید اولویتها را در نظر گرفت. این کاری است که ما در زمینه‌ی مدیریتها برای تحقق صبر و توکل میتوانیم انجام دهیم
۷	پیش برد کشور با تکیه بر کارهای گذشته	دولت جدید (یازدهم)	امروز که دولت دارد دست‌به‌دست میشود، مجموعه‌ی جدیدی، گروه جدیدی، عناصر جدیدی، فکرهای جدیدی، ابتکارهای جدیدی وارد میدان میشوند؛ باید با استفاده از آنچه که تاکنون انجام گرفته است، و با بنا بر روی بنائی که تا امروز بالا رفته است، ان‌شاءالله کشور را پیش ببرند
۸	لزوم استمرار جهت گیری های نظام در جابه جایی دولت ها	دولت جدید (یازدهم)	این گزارش مبسوط آقای رئیس جمهور، آقای دکتر احمدی‌نژاد را شنیدید. کارهای فراوانی شده، کارهای برجسته‌ای انجام گرفته. ممکن است دولت بعدی بیاید همین مقدار کار یا دو برابر این کار یا بیشتر، بر آنچه که انجام گرفته است، بیفزاید؛ چه چیزی از این بهتر برای کشور؟ مهم این است که جهتگیری‌ها استمرار داشته باشد؛ که من در زمینه‌ی استمرار جهتگیری‌ها و تذکراتی که در این مورد دارم، در فرصتهای بعدی ان‌شاءالله مطالبی را به مسئولین و به ملت عرض خواهم کرد؛ که حالا لزومی ندارد و اقتضائی هم ندارد.
۹	لزوم برخورداری از نگاه کلان به شرایط امروز کشور	مسئولان	آنچه که امروز لازم است و خوب است که مورد توجه قرار بگیرد، یک نگاه کلی به کشورمان و به شرائط عمومی کشور است. نمیخواهیم به جزئیات سرگرم شویم - جزئیات فراوانی وجود دارد - یک نگاه کلان به امور کشور عزیزمان و نظام جمهوری اسلامی بکنیم، ببینیم ما کجائیم، چه هستیم.



۱۰	انجام تحقیق مبسوط و مشروح در رابطه با سلطه سیاسی و اقتصادی بیگانگان بر ایران و پیامدهای آن	مورخان	متأسفانه هنوز کار درستی در این زمینه انجام نگرفته. محققین و مورخین ما باید بنشینند یک کار مبسوط و مشروحو را انجام دهند در مورد غارت منابع اقتصادی کشور به وسیلهی کشورهای متنفذ خارجی که وارد اینجا شدند؛ مثل انگلیس در یک برهه‌ای، روسها در یک برهه‌ی دیگری، و دیگرانی که در کنار اینها بودند - که البته عمده اینها بودند - بعد هم آمریکا در نهایت کار. غارت ثروت، سلطه‌ی سیاسی، تحقیر ملت. آنچه که شما از زبان سیاستمداران و دولتمردان وابسته‌ی به سیاستهای غربی و دستگاههای استبدادی شنفتید در زمینه‌ی تحقیر ایران و ایرانی و اینکه «نمیتوانیم» و چه و چه، اینها همه‌اش ناشی از همان سلطه‌ی فرهنگ غربی و سلطه‌ی سیاسی غرب بر کشور ما بوده.
۱۱	جلوگیری از روند تحدید نسل در کشور	مسئولان	مسئله‌ی تحدید نسل برای کشور ما خطر است؛ من به شما عرض بکنم. محدود کردن نسل، برای کشور ما یک خطر بزرگی است. ما در منطقه‌ی خطر مبالغ زیادی پیش رفتیم، باید برگردیم؛ میتوانستیم جلوی این کار را بگیریم، نگرفتیم. آنچه که متخصصین و کارشناسان، با نگاه‌های علمی، با دقت علمی بررسی کرده‌اند، ما را به این نتیجه میرساند که با این روند کنونی، کشور در آینده دچار مشکل فراوان خواهد شد؛ کشور دچار پیری عمومی خواهد شد. این تحدید نسل، چیز بدی است. البته شنیدم در مجلس طرحی در حال بررسی است؛ متنها آنطور که برای ما نقل کردند، آن طرح جواب نمیدهد؛ این مقداری که در این طرح دیده شده، جوابگو نیست. مسئولین و علاقه‌مندان و آشنایان با مقتضیات این کار در مجلس، باید توجه کنند و درست انجام دهند.



۱۲	تکیه بر واقعیت های کشور و نگاه به هدف های کلی انقلاب در مواجهه با جبهه دشمنان	مسئولان	ما در مواجهه‌ی با این جبهه [عریض و طویل دشمنان معاند]، با تکیه‌ی به آن واقعیتها، با نگاه به آن هدفهای کلی، باید تصمیم بگیریم. هر مسئولی در هر بخشی باید بداند که در یک چنین شرائطی راه آینده چگونه است؛ باید بتواند این را تشخیص دهد.
۱۳	استحکام ساخت دورنی قدرت برای پیشرفت در مسیر هدف های آرمانی	مسئولان	در پیشرفت به سمت هدفهای آرمانی، باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید؛ اساس کار این است. ما اگر میخواهیم این راه را ادامه دهیم و به این سمت حرکت کنیم و این هدفها را دنبال کنیم و چشم به این آرمانها بدوزیم و پیش برویم و در مقابل این معارضه‌ها ایستادگی کنیم و صبر و توکل را به کار بگیریم، باید ساخت قدرت ملی را در درون کشور تقویت کنیم و استحکام ببخشیم.
۱۴	عزم راسخ در مقابل حرکت های مختلف معارضه دشمن	مسئولان و مردم	مسئولان کشور باید تصمیمشان را در مواجهه‌ی با مشکلات حفظ کنند، عزم راسخ خودشان را محفوظ بدارند، دچار تزلزل نشوند. به سمت آرمانها حرکت کردن، این عزم راسخ را نیاز دارد. اینجور نباشد که با مشاهده‌ی اخم دشمن، ترشروئی دشمن، حرکت معارضه‌ی دشمن با شکلهای مختلفش - تبلیغاتی‌اش، سیاسی‌اش، اقتصادی‌اش و امثال اینها - متزلزل شوند. هم عزم راسخ مسئولین لازم است، هم عزم راسخ مردم لازم است.



۱۵	توجه به اولویت داشتن علم و اقتصاد در شرایط کنونی کشور	مسئولان کلان و سیاستگذاران نظام	آنچه که در حال حاضر برای کشور اولویت دارد - به نظر من مسئله‌ی اقتصاد و مسئله‌ی علم است. مسئولان کلان کشور، سیاستگذاران کشور، کسانی که اداره‌ی امور اساسی را در کشور به عهده دارند، به این دو نقطه‌ی اصلی برای پیشرفت باید توجه کنند. روی مسئله‌ی اقتصاد کشور باید تکیه شود، روی مسئله‌ی پیشرفت علمی کشور هم باید تکیه شود. توجه به اقتصاد خوشبختانه نسبتاً عمومی است؛ همه توجه دارند. حماسه‌ی اقتصادی هم جزو شعار امسال بوده. امیدواریم همچنان که حماسه‌ی سیاسی انجام گرفت، حماسه‌ی اقتصادی هم با همت مسئولین انجام بگیرد. البته کار اقتصادی، کار کوتاه‌مدتی نیست؛ کار یک ماه و دو ماه و یک سال نیست؛ لیکن باید حرکت آغاز شود. روی مسئله‌ی علم هم من تکیه میکنم. در این ده سال گذشته، حرکت علمی ما خیلی خوب بوده؛ پیشرفت علمی و سرعت پیشرفت، بسیار خوب بوده است؛ اما این سرعت پیشرفت باید کند نشود. اگر ما بخواهیم به آن سطح مطلوب برسیم، اگر بخواهیم به خطوط مقدم دانش جهانی برسیم، باید این سرعت پیشرفت را همچنان حفظ کنیم.
----	---	---------------------------------	--



۱۶	لزوم شناخت دشمنان و سوابق دشمنی آنها در مساله تعامل با دنیا	مسئولان	ما معتقد به تعامل با دنیا هستیم. در تعامل با دنیا، باید طرف مقابل را شناخت؛ اگر شناسیم، پشت پا خواهیم خورد. پرونده‌ی خصوم خودمان را فراموش نکنیم. ممکن است انسان یک وقتی سابقه‌ای را به رو نیاورد؛ اشکالی ندارد. شما یک وقتی با یک شخصی مواجه‌اید، میخواهید یک کاری را انجام دهید، یک سابقه‌ای هم از او دارید، مصلحت نمیدانید به رو بیاورید؛ این اشکالی ندارد، اما این سابقه یادتان نرود؛ اگر یادتان رفت، پشت پا خواهید خورد، ضربه خواهید خورد.
۱۷	هنرنمایی در مقابل دشمن برای عبور از موانع و عدم بازگشت از راه طی شده	مسئولان	ممکن است دشمنی سر راه شما را بگیرد، بگوید از اینجا نباید جلو بروید. سازش با او به این صورت نیست که شما قبول کنید، برگردید؛ هنر این است که شما کاری کنید که راهتان را ادامه دهید، او هم مانع کار شما نشود؛ والا اگر چنانچه توافق و تفاهم به این معنا بود که او بگوید شما باید از این راه برگردید، شما هم بگوئید خیلی خوب، این که خسارت است. توجه به این جهات باید از سوی مسئولین و دولتمردان وجود داشته باشد.



